

## تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب «قرآن مورخان»

زهرا اخوان صراف \*

مریم هدایت کلیشادی \*\*

DOI: 10.22096/rc.2025.2054095.1241

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴]

### چکیده

تألیف چهار جلدی قرآن مورخان، از آخرین آثار موسوعه گونی است که در آکادمیای غربی درباره قرآن انجام شده است. مهم ترین پرسش هایی که بر اساس متن کتاب و گزارش های ارائه شده توسط دست اندرکاران آن مطرح است، به جایگاه این اثر در مباحث فراتفسیری و تفسیری معاصر و فواید علمی جدیدی برمی گردد که می تواند به حوزه قرآن پژوهی و تفسیر پژوهی عرضه کند یا تحولاتی که می تواند در این حوزه ایجاد نماید. بحث حاضر، با نگاهی به مباحث کلی قرآن پژوهانه این اثر که به اموری مثل تاریخ تدوین، منابع و مصادر و ساختار قرآن مربوط است - در جلد اول - و نیز مروری بر نمونه هایی از مباحث تفسیری - در جلد های دوم و سوم - ضمن ارائه شواهد، آشکار می کند که این اثر در رویکرد عمومی خود بر مبادی و پیش فرض های برخاسته از مطالعات مدرن کتاب مقدس مبتنی است یا از آنها اثر پذیرفته که ممکن است در مورد قرآن کریم معتبر نباشد و پرسش های معرفت شناختی مهمی مطرح می کند که اعتبار روش های به کاررفته در کتاب را زیر ذره بین می برد. همچنین نشان می دهد که دیدگاه های مطرح در جلد اول یا کلیات قرآن پژوهانه، با محتوای تفسیری اثر همسو نیست؛ اما داده های جزئی کتاب، از جهت شناخت بایسته های تبیین و پژوهش و نیز بهره روری از قرائن و شواهد عرضه شده، به منزله جزئی از فرآیند تفسیر در مطالعات معاصر واجد ارزش علمی است؛ هرچند یافته های علمی مورد تأکید ویراستاران این اثر بر مسیر مطالعات قرآنی معاصر تأثیر جدی نگذارد.

**واژگان کلیدی:** قرآن مورخان؛ امیرمعزی؛ قرآن پژوهی غربیان؛ خاورپژوهان.

Email: akhavan\_qom@yahoo.com

\* مدرس حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mhd85@gmail.com



\*\* پژوهشگر، قم، ایران

## ۱. مقدمه

مجموعه سه بخشی قرآن مورخان (Le Coran des historiens) در سال ۲۰۱۹ میلادی به سرپرستی محمدعلی امیر معزی و گیوم دی (Guillaume Dye) توسط انتشارات سرف (Editions du Cerf) به زبان فرانسوی منتشر شده است و در سال‌های اخیر، این کتاب در حوزه مطالعات قرآنی به گستردگی مطرح شده و تحرکاتی در جامعه پدید آورده است تا جایی که بعضی از اندیشوران با تجلیل این اثر، مبانی پیشین خود را در اعتماد به قرآن در بوته سؤال قرار دادند. محمد مجتهد شبستری، فیلسوف و کارشناس الهیات تطبیقی، اندکی پس از انتشار گزارش کتاب قرآن مورخان، در خردادماه ۱۴۰۰ در پایگاه اطلاع‌رسانی خود مطلبی منتشر نمود و در آن از کنار گذاشتن عنوان «قرانت نبوی از جهان» خبر داد و سبب را چنین بیان کرد که: «در آن عنوان دو مدعای تاریخی، مسلم گرفته شده بود: اول اینکه تمامی متن فعلی قرآن از نگاه تاریخی اثر یا آثار یک شخص است که «نبی» بوده است و جهان را وحیانی قرانت کرده است. دوم اینکه آن شخص همانا حضرت محمد پیامبر اسلام است. من متوجه شدم که مطالعات تاریخی که تا کنون درباره متن قرآن انجام شده است برای مطمئن شدن از آن دو مدعای تاریخی کافی نیستند. در این صورت صداقت علمی ایجاب می‌کرد آن عنوان را گرچه بسیار جذاب می‌نمود، رها سازم. پس از این توجه بود که دیدم آنچه از آن بحث‌ها برای من باقی می‌ماند همین است که بگویم ما می‌توانیم از متن فعلی قرآن، «خوانش پدیدارشناسانه» و «خوانش روایی» ارائه کنیم». <sup>۱</sup> عبدالکریم سروش در نشست که سرویاستار کتاب، آن را گزارش نمود، کتاب را بسیار ستود و گفت: «من از قضا از بلژیک می‌آمدم و این سه جلد کتاب ایشان را همان بلژیک تهیه کرده بودم و با خود داشتم. [...] در همان انگلستان بخش‌هایی از کتاب ایشان را بلعیدم و بعد هم که به آمریکا آمدم بخش‌های دیگر را... انصافاً کار کارستانی کرده‌اند».<sup>۲</sup>

هرچند بعضی از آنها بعداً نقدهای این اثر را نیز مؤثر دیده و از تأثر اولیه خود دست کشیدند؛ مثلاً عبدالکریم سروش، بعدها پس از شنیدن نقدهای منتقدان کتاب، یعنی محسن

۱. محمد مجتهد شبستری، «چرا عنوان «قرانت نبوی از جهان» را کنار گذاشتم؟»، منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز نشر آثار و افکار محمد مجتهد شبستری، دسترسی در ۱۴۰۳/۱۱/۳۰، <http://mohammadmojtahedshabestari.com> / چرا-عنوان-قرانت-نبوی-از-جهان-را-کنار-گ-.

۲. محمدعلی امیر معزی، مجید سلیمانی و محسن متقی، «مطالعاتی تازه در باب ریشه‌های قرآن و اسلام»، دسترسی در <https://t.me/Didgahenochannel/1417>، ۱۴۰۳/۱۱/۱۸.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۲۵

گودرزی و مرتضی کریمی‌نیا، اظهار داشت از این دو منتقد بسیار آموخته است.<sup>۳</sup> پس نمی‌توان او را مؤید دیدگاه امیرمعزی دانست.

محتوای قرآن مورخان که در پایان سال ۱۳۹۹ در جامعه ایران معرفی شد به دلیل آنکه تا کنون ترجمه فارسی ندارد آنطور که باید در جامعه قرآنی شناخته‌شده نیست و همه آنچه درباره آن گفته و نوشته می‌شود به گزارش‌های آن یا بخش‌های کوچکی از آن برمی‌گردد که ترجمه شده است. هدف پژوهش حاضر معرفی علمی اثر و گزارش‌های مربوط به آن از زاویه‌ای نقادانه است.

محدودیت پژوهش آن است که به دلیل نبود ترجمه کامل فارسی، انگلیسی یا عربی، تحقیق بر بخش‌هایی محدود از اثر مبتنی است که نگارنده بیشتر خود به ترجمه آنها همت گمارده است. از این رو، حاصل پژوهش هرچند ممکن است در آشنایی با رویکردهای کلی آن مؤثر باشد، اما به هر حال بر استقرای تام اثر استوار نیست. این بحث جدا از معرفی کتاب قرآن مورخان، به‌طور عمده بر اساس فرضیه‌های زیر و در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های مطرح در آنهاست:

۱. کارآمدی مبادی و پیش‌فرض‌ها و روش‌های برآمده از مطالعات مدرن کتاب مقدس - که کتاب مبتنی بر آنها است - در مورد قرآن، به دلیل ویژگی‌های خاص این کتاب، جای تأمل است.

۲. رویکردها و دیدگاه‌های مطرح در مجلد اول یا کلیات قرآن‌پژوهانه، با محتوای تفسیری اثر همسو نیست و مفسران سوره‌ها بیش از آنکه از این دستاوردهای جدید بهره برده باشند، آثار مستشرقان پیشین را - آن هم به‌صورت ناقص و غالباً با تکیه بر چند فرد معین - گردآورده‌اند.

۳. تکیه بر تحقیقات فرهنگ و تاریخ مادی -سکه‌های کهن، سنگ‌نبشته‌ها، گرافیتی‌های تازه‌یاب و... که برجستگی عمده این اثر قلمداد می‌شود، با چالش‌های مهم روبه‌رو است.

---

۳. مرتضی کریمی‌نیا و محسن گودرزی، «متن قرآن و تاریخ قرآن: بررسی ادبی و نسخه‌شناختی»، دسترسی در <https://t.me/Didgahenochannel/167>، ۱۴۰۳/۱۱/۱۸.

۴. داده‌های جزئی مطرح در کتاب می‌تواند برای قرآن‌پژوهان سودمند باشد؛ هرچند از نگاه کلی، یافته‌های علمی مورد تأکید ویراستاران این اثر حرف تازه و قابل توجهی نداشته باشد که به‌طور جدی بر مسیر مطالعات قرآنی معاصر تأثیر بگذارد.
- گذشته از آثاری که به‌طور عام به آسیب‌شناسی مطالعات قرآن‌پژوهانه مستشرقان می‌پردازد و نگارنده نیز چندین مقاله در این راستا منتشر نموده است،<sup>۴</sup> مطالعه و بررسی و نقد «قرآن مورخان» پس از انتشار آن، در جوامع علمی ایران و خارج از ایران آغاز شد. از جمله:
- مقاله «قرآن المؤرخین» نوشته شارل سان برو، بیان می‌کند که کتاب درصدد نشان دادن آبخشور یهودی - مسیحی برای قرآن است و غیبت بیشتر محققان دانشگاهی مسلمان در این کتاب، سبب می‌شود که حاصل کار نویسندگان، به شناخت اسلام منجر نشود. نویسنده مقاله، قرآن کتاب قرآن مورخان را قرآن حقیقی ندانسته، بلکه قرآنی ایدئولوژیک خوانده که در راستای ایدئولوژی ضدعرب و ریشه‌دار از کینه شکست ایرانیان در جنگ قادسیه است.<sup>۵</sup>
- مقاله «قرآن المؤرخین، تشویه و تخریب» که توسط اسامه نبیل -مدیر سابق رصدخانه الازهر- نوشته شده، پس از معرفی کتاب به نکاتی درباره آن اشاره کرده است؛ از جمله اینکه فهرست منابع آن تشکیل شده از مصادری فقط شیعی و غربی است و مقدمه کتاب، فراخوانی برای احیای نظرات مستشرقان پیشین درباره قرآن است.<sup>۶</sup>
- مقاله «قرآن المؤرخین» نوشته زینب عبدالعزیز: او این کتاب و رونمایی آن در اواخر سال ۲۰۱۹ و همزمان با همه‌گیری کرونا را یک حرکت سیاسی و در ادامه کار رئیس جمهور فرانسه برای ارائه خوانشی جدید از قرآن و برپا کردن نسخه اسلام فرانسوی دانسته است.<sup>۷</sup>
- مجید سلیمانی، در یادداشت «قرآن مورخان، قرآن‌شناسی ناباوران»، به معرفی این اثر و پررنگ نمودن برخی نقاط در جلد اول این کتاب پرداخته است که با خوانش جمهور

۴. زهرا اخوان صراف، «آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورپژوهان»، مشکوة، شماره ۸۱ (اسفند ۱۳۸۲): ۴-۱۶؛ زهرا اخوان صراف، «حفره‌های استشرافی پیش روی مطالعات مدرن و روشمند قرآن»، مشکوة، شماره ۱۵۳ (اسفند ۱۴۰۰): ۶۳-۸۲؛ و زهرا اخوان صراف، «واگرایی مطالعات تفسیری معاصر از غایات انسان‌مدار قرآن کریم»، اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر، شماره ۳ (بهار و تابستان ۱۴۰۲): ۱۹-۳۷.

۵. شارل سان برو، المفکر الفرنسي شارل سان برو.. یکتب: «قرآن المؤرخین» المزعوم، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://alruwaq.com/> المفکر-الفرنسی-شارل-سان-برو-یکتب-قرآن/.

۶. اسامه نبیل، «قرآن المؤرخین» تشویه و تخریب، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://www.zatmisr.com/>.

۷. زینب عبدالعزیز، «قرآن المؤرخین»، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <http://saaid.org/daeyat/zainab/325.htm>.

تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۲۷

مسلمانان زاویه دارد. وی مدعی است این مقدمه ابتدایی، به کلی منابع اسلامی و روایت آنها را که فاصله‌ای دویست‌ساله با دوره زمانی شکل‌گیری قرآن دارند، کنار گذاشته است.<sup>۸</sup>

- عبدالعلی بازرگان، دو حلقه از جلسات تفسیری خود را با عنوان: «قرآن، یک متن مسئله‌دار؟!» به این موضوع اختصاص داد و موضوعاتی همچون بدون سبک بودن قرآن، نظم قرآن، ترتیب تاریخی نزول، ناسخ و منسوخ، جنگ‌های صدر اسلام، آخرت‌گرایی در قرآن را تبیین نمود و به ادعاهای «ریشه سریانی-آرامی داشتن لغات قرآن» و «رواج اسلام از زمان عبدالملک» پاسخ گفت.<sup>۹</sup>

- در نشست ۱۶۳ انجمن مباحثات قرآنی با عنوان «نگاهی به کتاب "قرآن مورخان" و نشانه‌ها و ریشه‌های شیعه‌شناسانه آن»، حمیدرضا شریعتمداری، به باورهای خاص امیرمعزی در شیعه‌پژوهی وی اشاره کرد و ریشه آرای قرآن‌پژوهانه او را در نظریات شیعه‌شناسانه‌اش پیگیری نمود. در همان نشست، فرهاد شفتی به بررسی چند نمونه تفسیر آیات در سوره مریم، سوره توبه و سوره کهف پرداخت و کتاب را حاوی اطلاعات مفیدی دانست که در تفسیر و نگاه‌های درون دینی مؤثر است. نظر وی بر آن بود که صرف‌نظر از قبول و رد مبانی و دیدگاه‌ها، اثر حاوی مطالب سودمند است که به کار قرآن و تفسیرپژوهان امروزی خواهد آمد. نگارنده در آن نشست، حسب گزارش‌های مؤلف و دیگران از این کتاب، پرسش‌هایی تحلیلی درباره این اثر و گزارش‌های سرویاستار از آن مطرح کرد و رفع ابهام در موارد آنها را وظیفه گزارش‌دهنده دانست و به‌واسطه مجموعه ابهامات و چالش‌هایی که مطرح کرد، نسبت پرابلمتیک بودن را که امیرمعزی به قرآن نسبت داده بود به خود این دست مطالعات و گزارش‌ها برگرداند.<sup>۱۰</sup>

- حمیدرضا شریعتمداری در نشستی متاخرتر - یعنی نشست ۸۲م - از همین انجمن با عنوان «واکاوی شیعه‌شناسی دکتر امیرمعزی با تکیه بر مقاله تشیع و قرآن»، ادعای تحریف قرآن در این اثر را با نقد مدعیات شیعه‌شناسانه مبنوی دکتر امیرمعزی، به چالش کشید.<sup>۱۱</sup>

۸. مجید سلیمانی، «قرآن مورخان»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://3danel.ir> / قرآن-مورخان.

۹. عبدالعلی بازرگان، «قرآن، یک متن مسئله‌دار؟!»، دسترسی در ۱۸/۱۲/۱۴۰۳، <https://t.me/AbdolaliBazargan/464>.

۱۰. انجمن مباحثات قرآنی، «نگاهی به کتاب قرآن مورخان و نشانه‌ها و ریشه‌های شیعه‌شناسانه آن»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahesat\\_Archive/619](https://t.me/Anjoman_Mobahesat_Archive/619).

۱۱. حمیدرضا شریعتمداری، «واکاوی شیعه‌شناسی دکتر امیرمعزی با تکیه بر مقاله تشیع و قرآن»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahesat\\_Archive/754](https://t.me/Anjoman_Mobahesat_Archive/754).

- نگارنده در نشست هفتادم پژوهشگاه مطالعات تقریبی با عنوان «نقد روش‌های مطالعات مدرن کتاب مقدس با تأکید بر قرآن مورخان» با طرح مبانی قرآن کاوی‌های مدرن متأثر از مطالعات متأخر و معاصر کتاب مقدس، شواهد و نمونه‌های تفصیلی از کتاب قرآن مورخان ارائه کرد.<sup>۱۲</sup> وی بلافاصله پس از نشر کتاب با ترجمه بخش‌هایی از آن، بحث‌های ترجمه‌شده به فارسی و عربی را برای شماری از قرآن‌پژوهان در کشورهای مختلف اسلامی ارسال کرد تا دیدگاه‌های اندیشوران مسلمان را درباره آنها گردآوری کند، چون دکتر امیرمعزی ادعا کرده بود در دنیای اسلام نسبت به این کتاب جز واکنش‌های مثبت و مؤید، سکوت محض حاکم است. از جمله پاسخ‌ها فتح‌الله نجارزادگان استاد دانشگاه تهران، پرسش‌هایی را درباره نظریه اقتباس قرآن از عهدین مطرح نمود و بیان کرد که هرچند در ارزیابی نظریه اقتباس قرآن از عهدین باید به شیوه تاریخی بها داد و بحث را با آن پی گرفت، اما چند پرسش مبنایی در این باره -اقتباس- رخ می‌نماید که پژوهشگر ناگزیر است پاسخی هرچند اقناعی به آنها دهد و همه یا بسیاری از این احتمال‌ها را به‌منزله نظریه رقیب ابطال کند.

- دکتر ابراهیم عوض، قرآن‌پژوه مصری، اثر را چندان قابل توجه ندانسته، نقدهای پیشین خود را بر مطالعات قرآنی مستشرقان، درباره این کتاب هم صادق و برای آن کافی دانست و با این همه نکاتی انتقادی نسبت به بعضی از سوره‌ها مطرح کرد. دکتر نافذ الشاعر، مؤلف، مترجم و قرآن‌پژوه فلسطینی، بر تفسیر شماری از سوره‌ها نقدهای ادبی دقیق مطرح کرد که جای نشر جداگانه دارد.<sup>۱۳</sup>

- محمد خدابنده‌لو، در مقاله «قرآن و محیط شرعی آن (مدخل چهاردهم قرآن مورخان): کاربست رویکرد تاریخی در اجتهاد فقهی»، به نقد و بررسی این مدخل پرداخت.<sup>۱۴</sup>

- مصطفی قناعتگر در نشست ۱۷۳ام انجمن مباحثات قرآنی، به بررسی ادعای گیوم دی پیرامون تعدد کاتبان در تدوین سوره الرحمن پرداخت و در این راستا چهار دسته چالش

۱۲. زهرا اخوان صراف، «نقد روش‌های مطالعات مدرن کتاب مقدس با تأکید بر قرآن مورخان»، دسترسی در <https://taqribstudies.ir/>، ۱۴۰۳/۱۱/۱۸، گزارش-تهایی-کرسی-۷۰/.

۱۳. نافذ الشاعر، «قرآن المؤرخین تفسیر سورتی القمر و الطارق»، دسترسی در <https://www.noor-book.com/>، ۱۴۰۳/۱۱/۱۸، دسترسی در <https://www.noor-book.com/>، کتاب-قران-المؤرخین-pdf.

۱۴. محمد خدابنده‌لو، «قرآن و محیط شرعی آن (مدخل چهاردهم قرآن مورخان): کاربست رویکرد تاریخی در اجتهاد فقهی»، *دوفصلنامه دین و دنیای معاصر*، ۹، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲): ۲۷۵-۳۱۵.

<https://doi.org/10.22096/rc.2023.1990897.1097>

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۲۹

تاریخی، ادبی، فرقه‌ای و روشی مطرح کرد که از نظر وی ادعای گیوم دی در مقاله مربوطه فقط با برون‌رفت از آن چالش‌ها قابل توجیه است.<sup>۱۵</sup>

پرونده گردآوری دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان مسلمان درباره این کتاب همچنان باز است. با این حال، در گستره و افق پژوهش پیش رو اثر منتشرشده‌ای تا کنون موجود نیست. این پژوهش ضمن تبارشناسی نوع دیدگاه‌های کلی مطرح در جلد اول و نقد و تحلیل‌های موردی درباره آنها، تفاسیر برخی سوره‌ها را نیز نقد و تحلیل کرده و ادعاهای سرویراستار در مورد قرآن را با محتوای اصلی، یعنی تفسیر سوره‌ها، نسبت‌سنجی کرده است. نوشتار حاضر در یک مقدمه، ۴ عنوان کلی و یک خاتمه تنظیم شده است. این اثر به تأثر مطالعات قرآنی معاصر از مطالعات کتاب مقدس، قرآن مورخان و سرویراستار ایرانی آن، نگاهی تحلیلی انتقادی به برخی مباحث جلد اول و برخی تفاسیر در جلدهای دوم و سوم و چالش‌های مطرح درباره تاریخ مادی می‌پردازد.

## ۲. تأثر مطالعات قرآنی معاصر از مطالعات مدرن کتاب مقدس

### ۱-۲. اصل تأثر

مطالعات قرآنی معاصر در غرب متأثر از روش‌های مدرن در مطالعات مدرن کتاب مقدس است. طبق تحقیقات انجام‌شده توسط پژوهشگران،<sup>۱۶</sup> مطالعات کتاب مقدس از دوره‌ای که تفسیر آن شروع شد تا امروز سه دوره به خود دیده است. در دوره سوم از قرن پانزدهم میلادی به این سو، الگوی جدیدی از فهمیدن در دنیای مسیحی شکل می‌گیرد. ویژگی‌های پارادایم جدید که از دوره سوم شروع شد عبارت است از:

۱. تقدس زدودن از متن کتاب مقدس و فهم آن؛

۲. انحصاری نبودن فهم متن مقدس به باورمندان؛

۳. مدلل شدن تفسیر.

در سیر نواندیشی مسلمانان در تفسیر، گرایش‌های مختلفی از جمله عقل‌گرایی، تفسیر

۱۵. مصطفی قناعتگر، «بررسی ادعای گیوم دی پیرامون تعدد کاتبان در تندوین سوره الرحمن»، دسترسی در [https://t.me/Anjoman\\_Mobahasat\\_Archive/701](https://t.me/Anjoman_Mobahasat_Archive/701)، ۱۴۰۳/۱۱/۱۸.

۱۶. مهرباد صادق‌نیا، «تجربه علمانی شدن تفسیر در مسیحیت و چالش‌های آن در تفسیر قرآن»، در گزارش مشروح جلسات انجمن مباحثات قرآنی، دفتر اول: مباحث تفسیرپژوهانه، زیر نظر زهرا اخوان صراف، ۱۶۹-۱۷۶.

علمی و تفسیر ادبی پدید آمد که از توصیه‌های محققان غربی به مسلمانان - در به‌کارگیری شیوه‌های بررسی و تحلیل حوزه علوم انسانی - متأثر بود. این مطالعات توصیه می‌کند مطالعات قرآنی معاصر هم بر اساس داده‌های علوم انسانی جدید که در مطالعات مدرن کتاب مقدس مؤثر افتاده، روشمند شود؛ اما پیش‌فرض‌ها، روش‌ها و منابع مدنظر در مطالعات قرآنی یا در بعضی موارد در کل مطالعات کتب مقدس، قابل‌خداشه است و همچنین مطالعاتی که بر اساس این روش‌ها انجام شده، نتایج علم‌آور و قابل اطمینانی به دست نمی‌دهد.

## ۲-۲. مبادی و پیش‌فرض‌های انطباق‌ناپذیر

قرآن‌پژوهی مدرن خاورپژوهان، مبادی‌ای دارد که بر قرآن قابل انطباق نیست؛ از جمله اینکه:

- قرآن هم تألیفی است که متأخر از پیامبر (ص)، توسط مؤلفان در ادوار مختلف پدید آمده است؛ این کتاب هم از منابع پیشینی برداشت شده است؛

- در متن موجود، فقرات افزوده از اینجا و آنجا توسط مؤلفان مختلف در زمان‌های مختلف وجود دارد.

بر اساس این پیش‌فرض‌ها،<sup>۱۷</sup> کار مطالعات قرآنی خاورپژوهان مدرن (از جمله مؤلفان قرآن مورخان) در تفسیر سوره‌ها آن است که با بررسی‌های زبان‌شناختی و متن‌پژوهانه و تشخیص بینامتنیتی که بین این متن و متون پیش از آن وجود دارد، درباره عبارات قرآنی گزاره‌هایی به دست دهد؛ از قبیل اینکه:

- هر مطلب، مشابه با کدام متن پیشینی است و از کجا برداشت شده است؛

- قرائت صحیح کلمات یا عبارات با توجه به متون پیشینی یا نسخه‌های منفرد قرآن در کتابخانه‌های مختلف چیست؛

- با توجه به متن مصدر یا مشابه و قرائت درست به دست آمده، معنای عبارت چیست؛

- چه کسی و چه زمانی این عبارت را افزوده است؛

- و اساساً مصحف موجود چه زمانی رسمی‌سازی شده است.

انطباق کل این موارد برآمده از قیاس مطالعات قرآنی با مطالعات مدرن کتاب مقدس، به دلیل داشتن پاره‌ای از ویژگی‌های قرآن - که مهم‌ترین آنها، داشتن اصل شفاهی مسلم است - جای اشکال است.

۱۷. نمونه‌های شاهد بر این پیش‌فرض‌ها در ادامه خواهد آمد.

تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۳۱

### ۳. قرآن مورخان و سرویراستار ایرانی آن

این قسمت پس از مروری بر محتوای کتاب قرآن مورخان، پاره‌ای فعالیت‌ها و مبانی علمی محمدعلی امیرمعزی را که در فهم و تحلیل این اثر مؤثر است، مرور می‌کند.

#### ۱-۳. مروری بر مجلدات قرآن مورخان

جلد اول کتاب قرآن مورخان، به چگونگی پیدایش قرآن و بررسی محتوای آن اختصاص دارد. در این مجلد همچنین مطالعاتی پیرامون بافت و پیدایش قرآن کریم ارائه شده که مشتمل بر ۲۰ پژوهش تاریخی است. جلد دوم و سوم به تفسیر و تحلیل ۱۱۴ سوره قرآن پرداخته است و به منزله طولانی‌ترین بخش این مجموعه (تقریباً ۲۴۰۰ صفحه کاغذی) تفسیری پیوسته از سوره‌های قرآن کریم ارائه می‌کند. جلد چهارم، کتاب‌شناسی مطالعات قرآنی را عرضه می‌کند و بر اساس نظر سرویراستاران علمی، این جلد به «تهیه لیستی تا حد امکان جامع» از مطالعات علمی - مقالات، کتاب‌ها و فعالیت‌های جمعی - اختصاص دارد که برگرفته از محتوا و نظرات محققان این حوزه از قرن نوزدهم تا امروز است و به صورت آنلاین به روزرسانی می‌شود.

در معرفی این تفسیر گفته می‌شود که از تراث تفسیری جهان اسلام استفاده نمی‌کند؛ در عوض با رویکردی تاریخی و انتقادی سعی می‌کند از منابع پیشاسلامی و معاصر با نزول قرآن در عملیات تفسیر قرآن استفاده کند و تحلیل‌هایی تاریخی و زبان‌شناختی از آیات به دست دهد.<sup>۱۸</sup> گرچه این کتاب هنوز به زبان فارسی برگردان نشده است، تفسیر سوره قمر و طارق که به قلم گیوم دی به فرانسوی نوشته شده است، توسط نگارنده به فارسی ترجمه و - با همکاری برخی از پژوهشگران عرب - به عربی برگردان و در بستر اینترنت منتشر شده است.<sup>۱۹</sup> همچنین مدخل شماره ۲۰ از جلد اول با عنوان «قرآن و تشیع» به قلم محمدعلی امیرمعزی را آقایان محسن متقی و زهیر میرکریمی به فارسی ترجمه کرده‌اند.<sup>۲۰</sup> پیش از آن ترجمه دیگری از این مدخل زیر نظر نگارنده فراهم شده بود. نیز مدخل ۱۴ از جلد اول، با عنوان «قرآن و محیط

۱۸. خدابنده‌لو، «قرآن و محیط شرعی آن»، ۲۷۵-۳۱۵.

۱۹. الشاعر، «قرآن المؤرخین: تفسیر سورتی القمر و الطارق».

20. MohammadAli Amir-Moezzi, "Le shi'isme et le Coran", in *Le Coran des historiens*, translated by Mohsen Mottaqi and Zoheir Mirkarimi, accessed February 7, 2025, <https://t.me/anqanotes/529>

شرعی آن) نوشته دیوید پاورز توسط خدابنده‌لو به زبان فارسی ترجمه شده است.<sup>۲۱</sup>

### ۲-۳. امیرمعزی و گزارش او از کتاب قرآن مورخان

محمدعلی امیرمعزی از اسلام‌پژوهان ایرانی مدرسه مطالعات علوم اجتماعی (École Pratique des Hautes Études) در فرانسه است. آثار منتشرشده وی بر مطالعات شیعه‌پژوهی متمرکز است. پژوهش‌های شیعه‌شناسانه وی در سه محور طبقه‌بندی شده است.<sup>۲۲</sup>

محور نخست، بررسی نقادانه تشیع در بستر تاریخ و به‌ویژه تکون آن در سه قرن نخستین؛ او معتقد است نقش محوری امام در مقام آشکارکننده پیام باطنی و جنبه‌های نهفته دین، به نحوی است که سایر آموزه‌ها در پرتو این شناخت شکل می‌گیرد. امام در این نگاه، قرآن ناطق است که توانایی به سخن درآوردن قرآن صامت را دارد.

محور دوم، تاریخ قرآن و مُصحف قرآنی؛ وی کوشیده است به حل معمای تاریخ تدوین قرآن پردازد و جنبه‌های پرسش‌انگیز (Problématique) بودن آن را نشان دهد. او با پررنگ کردن اندیشه تحریف قرآن نزد شیعه، مصحف موجود را برساخته دوران عبدالملک می‌داند، به‌ویژه اینکه شیعیان با این مصحف همراهی نکرده، آشکار و پنهان با مُصحف رسمی و پرداخته شده، مخالفت کرده‌اند.

محور سوم، جست‌وجو برای پاسخ به پرسش‌هایی در باب قدرت گرفتن مسلمانان در دوران آغازین و فتوحات آنان؛ نظر وی این است که هرچند این فتوحات به سقوط امپراطوری بیزانس منجر نشد، اما باعث شد سرزمین‌های جنوبی و آفریقایی خود را از دست بدهد. او دو باور بنیادی را در تکوین تمدن اسلامی نقش‌آفرین می‌داند: هزاره‌باوری (Millénarisme) و نزدیک دیدن قیامت (Apocalypse). وی می‌گوید با درگذشت پیامبر و فرانسیدن قیامت، مسلمانان در باب ادامه جهان با مشکلی الهیاتی روبه‌رو شدند و کوشیدند تا برای حضور خود در این دنیا معنایی بجویند.

امیرمعزی در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۹۹ در نشست ۴۱ام حلقه دیدگاه نو با عنوان «مطالعاتی تازه در باب ریشه‌های قرآن و اسلام» کتاب قرآن مورخان را معرفی کرد. تفصیل و تحلیل

۲۱. خدابنده‌لو، «قرآن و محیط شرعی آن»، ۲۷۵-۳۱۵.

۲۲. محسن متقی، «شیعه‌پژوهی تاریخی با رویکردی انتقادی: معرفی دیدگاه‌های محمدعلی امیرمعزی»، نقد دینی ۳ (۱۳۹۹): ۱۰۵-۱۶۰.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۳۳

گزارش او در ادامه، در توضیح مقاله قرآن و تشیع خواهد آمد؛ اما جا دارد که به بعضی از ابهامات این گزارش که قاعدتاً گزارش‌کننده اثری سترگ مسئول آن است اشاره شود.

- آقای امیرمعزی در گزارش خود، بیان نمود که محتوای قرآن شامل سه بخش است: بخشی که پیامبر آن را از متون پیشین برداشته و با فرهنگ عرب تطبیق کرده و وفق داده است؛ بخش دوم محتوای تجربه دینی - و نه لزوماً تجربه وحیانی - ایشان است؛ بخش سوم را بعداً افزوده‌اند.<sup>۲۳</sup> این تبیین به معنای تحریف قرآن است، گرچه ایشان در مصاحبه‌ای دیگر، نظر خود نسبت به تحریف قرآن را واضح بیان نکرده و گفته است: «من نمی‌دانم قرآن تحریف شده است یا نه؟»<sup>۲۴</sup> حتی اگر ایشان قائل به تحریف باشد، دانسته نیست که برآمد مطالعات ایشان، چه نصی برای قرآن پیشنهاد می‌کند و اگر هدف، تنها توجه دادن اذهان از نص رسمی به وجهی باطنی‌تر است، آیا در آن وجه باطنی‌تر موفق است یا خیر؟

- در برخی موارد، انگیزه اینگونه تحقیقات تاریخی، دور شدن از تعصب و کم کردن خشونت بیان می‌شود،<sup>۲۵</sup> اما معلوم نیست که با نشر دیدگاهی در تحریف قرآن و شعله‌ور کردن این آتش زیر خاکستر، خشونت‌هایی که با به جان انداختن تشیع و اهل سنت برپا می‌شود شدیدتر نباشد.

- دانسته نیست موضع ایشان نسبت به پیامبر (ص) چیست آنگاه که می‌گوید: «ما محمد تاریخی را نمی‌شناسیم.»<sup>۲۶</sup> آیا منظور این است که شخصی به نام محمد در آن تاریخ و جغرافیا نبوده است؟

- طنین پرتکرار قطع و جزم به نتایج که در دوره مدرن در هیچ‌یک از حوزه‌های دانش پذیرفته نیست، چگونه توجیه می‌شود؟ مواردی همچون «نتیجه منطقی‌ای که می‌گیریم این است که دانشمندان مسلمان نمی‌دانستند که چرا قرآن به این سبک نوشته شده...»<sup>۲۷</sup> (بنابراین همه چیز مخلوط شده است. نیز یک نظم خاصی در نظر گرفته‌اند که تا به حال دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان نتوانسته‌اند علت واقعی آن را پیدا کنند).<sup>۲۸</sup>

۲۳. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

۲۴. محمدعلی امیرمعزی، «از کلینی تا خمینی، فقهای شیعه ادعای عرفان دارند»، دسترسی در ۱۹/۱۱/۱۴۰۳، <https://www.rfi.fr/fa/> فرهنگ - و - هنر / ۲۰۱۸-۷۲۲ - از - کلینی - تا - خمینی، - فقهای - شیعه - ادعای - عرفان - دارند؛ - گفت E2%80%8C%80%8C - وگو - با - محمدعلی - امیرمعزی

۲۵. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

۲۶. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

۲۷. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

۲۸. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

- هدف از به کارگیری واژگان غیرمألوف در گزارش‌های علمی روشن نیست، مخصوصاً مواردی که در روزگار ما در حوزه عمومی بار سنگین منفی چندجانبه دارد واژگانی همچون: پرابلمتیک (Problématique) و اپیک بودن و پاره‌پاره بودن قرآن و... .
- الفای خلاف واقع عجز، خوف و بهت مجامع علمی اسلامی با تعابیری مثل سکوت محض و نام بردن نهادهای مهم مثل الازهر و جامعه عربی... که خلاف آن در پیشینه تحقیق حاضر نشان داده شده است از یکسو و از سوی دیگر، طرح تأیید و تمجید کتاب از سوی نهادهای مهم در ایران - بدون نام بردن مستقیم - مثلاً، نمونه‌آوری از رئیس دانشگاه اهل بیت که از قضا شاگرد و دوست امیرمعزی است، در یادداشتی با عنوان مغالطه‌دار<sup>۲۹</sup> «چرا کتاب قرآن مورخان مهم است؟»<sup>۳۰</sup> در مظنه فضا سازی رسانه‌ای برای تثبیت جایگاه کتاب است.
- سبب تکرار چندباره نام دانشگاه سوربن در نشست معرفی کتاب که ربط آن با پروژه‌ای که نه در سوربن، بلکه در مدرسه مطالعات علوم اجتماعی (École Pratique des Hautes Études) انجام شده، هزینه‌اش را بنیان‌گذاران ایبی (eBay) فراهم کرده و انتشارات سرف (CERF) آن را چاپ کرده است، معلوم نیست. همچنین است سبب میان کشیدن مکرر پای هانری کورین که در این ماجرا اصلاً غایب بوده است و ارج و قدر خود او هم به اندازه تألیفات و ادله اوست که خود محل نقد و نقاش است.
- حاصل آنکه تلاش علمی امیرمعزی در به ثمر رساندن این اثر سترگ مسلماً آرجمند است و چنانچه این ابهامات و حاشیه‌ها شفاف‌سازی شوند، آن کتاب بهتر می‌تواند توجه محافل علمی را به خود جلب کند.

۲۹. مغالطه سؤال مرکب دارد و جا دارد مخاطب بپرسد: مگر پیش از آن، اتفاق نظر وجود داشت که این کتاب مهم است؟ اصلاً کسی آن را می‌شناخت تا بر مهم بودن آن توافق باشد و نوبت به پرسش از چرایی اهمیت آن برسد؟

۳۰. سعید جازاری معموی، «چرا قرآن مورخان مهم است؟»، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://iqna.ir/fa/news/۳۹۵۶۳۲۰> / چرا-کتاب-قرآن-مورخان-مهم-است

### ۳-۳. نسبت گزارش امیر معزی با کتاب قرآن مورخان

توجه به مجموعه اظهارات امیر معزی در موقعیت‌هایی از قبیل نشست ۴۱ حلقه دیدگاه نو و نشست اینستاگرامی کتابخانه تصوف و عرفان<sup>۳۱</sup> و نظر در محتوای مجلدات ۲ و ۳ این اثر - که تفسیر سوره به سوره و آیه به آیه قرآن توسط مؤلفان مختلف به سر ویراستاری امیر معزی و گیوم دی است و می‌توان آن را آینه آثار استشراقی پیش از خود و بازتاب‌دهنده افکار خاورپژوهانی چون ریچارد بل دانست - آشکار می‌کند که امیر معزی در معرفی این کتاب بیشتر به نشر ایده اصلی خود در تحریف قرآن و ... می‌پردازد و مدعیات او گزارشگر رویکرد نویسندگان تفسیر سوره‌ها نیست. توجه به تفسیر سوره‌هایی مثل روم و طارق، همزه، بلد، قمر، لیل و ... در این کتاب، نشان می‌دهد نویسندگان تفاسیر سوره‌ها در این اثر به دنبال نشر ایده‌ای که امیر معزی مطرح می‌کند، نبوده‌اند. اثر آنان بسان هر اثر استشراقی دیگری - به‌ویژه آنچه در دوران معاصر عرضه می‌شود - به دنبال یافتن ریشه مطالب قرآنی، زمان ورود عبارت و فقره به قرآن کریم، لایه‌های مختلف سوره‌ها و ریشه‌یابی فقراتی است که ادعا می‌شود به متن اصلی افزوده شده است. به عبارت دیگر، آنچه در تفسیر سوره‌ها در قرآن مورخان آمده است نه تنها به دنبال اثبات عدم اصالت مصحف فعلی و اصالت قرآن شیعی - که امیر معزی ادعا می‌کند - نیست، بلکه حتی چندان مبتنی بر تحقیقات تاریخ مادی و یافته‌های باستان‌شناسانه مثل سنگ‌نوشته‌ها، گرافیتی‌ها، سکه‌ها و ... هم نیست؛ بلکه کلمه به کلمه مطالب مستشرقان پیشین را انعکاس می‌دهد و گاه هم اندکی آن داده‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند، چنانکه می‌توان آن را موسوعه دیدگاه‌های تفسیری مستشرقان دانست.

امیر معزی ادعا کرده است که چند ده محقق و متخصص این اثر را پدید آورده‌اند. هنگام مراجعه و تحقیق درباره تیم کاری ایشان، متوجه می‌شویم که بسیاری از این افراد دانشجویان دکترای خود ایشان هستند؛ ولی در هر صورت آنان لزوماً مؤید دیدگاه‌های امیر معزی در شکل‌گیری و رسمی‌سازی قرآن و ربط آن به دوران عبدالملک و مطالب آخرالزمانی قرآن و ربط آن مطالب به حضرت علی (ع) و علویان نیستند.

به عبارت دیگر، اظهارات امیر معزی در معرفی کتاب راهی می‌رود و تفسیر سوره‌ها در آن کتاب توسط مؤلفان مختلف، راهی دیگر. دومی اثری استشراقی برای انعکاس آثار استشراقی پیش از خود است و اولی، دیدگاهی نو که برآمد افکار پیشین و به تدریج ارائه شده امیر معزی در

۳۱. محمدعلی امیر معزی، «تشیع نخستین، گذرگاه عرفان باستان به عرفان اسلامی»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://t.me/AmirMoezzi/99>

آثار پیشین او مثل «تشیع، ریشه‌ها و باورهای عرفانی» و «قرآن صامت قرآن ناطق» است که اکنون داعیه‌دار جانشینی هانری کورین و کرسی شیعه‌شناسی برخی مراکز دانشگاهی فرانسه است.

#### ۴. نگاهی تحلیلی - انتقادی به جلد اول

##### ۴-۱. گزارش محتوا

جلد اول از این مجموعه با عنوان «مطالعاتی در بافتار و پیدایش قرآن» (Études sur le contexte et la genèse du Coran) شامل ۲۰ مدخل جداگانه درباره بافتار تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی قرآن است و نیز به واکاوی متن و نسخه‌های خطی قرآن می‌پردازد. ادعا می‌شود مطالب جلد اول، درآمدی هزارصفحه‌ای بر تاریخ عهد «باستان متأخر» و دوره‌ای است که قرآن در آن نازل شده است.<sup>۳۲</sup>

##### ۴-۲. مروری بر برخی مدخل‌های جلد اول

نگاهی به برخی مدخل‌های قرآن‌شناسانه مجلد اول قرآن مورخان برای دریافت سوگیری‌های کلی این کتاب سودمند است. از آن میان، به سه مقاله «مصحف قرآنی، بافتار و ساختار»،<sup>۳۳</sup> «قرآن و تشیع»<sup>۳۴</sup> و «قرآن و محیط شرعی آن»<sup>۳۵</sup> توجه می‌کنیم. دو مقاله اول از این جهت مهم هستند که تألیف سرویراستاران کتاب یا طراحان طرح هستند.

##### ۴-۲-۱. مدخل بافتار و ساختار قرآن

گیوم دی<sup>۳۶</sup> در این مدخل، بر این باور است که متن قرآن، پیچیده‌تر از آن است که تنها نتیجه فعالیت محمد (ص) باشد یا یک منبع واحد، مثلاً وحی، داشته باشد. او در بخشی از این مقاله، برای نمونه‌ای مهم برای نشان دادن تعدد نویسندگان قرآن، به آیات ابتدایی سوره

۳۲. خدابنده‌لو، «قرآن و محیط شرعی آن»، ۲۷۵-۳۱۵.

33. Guillaume Dye. "Le corpus coranique: context et composition", in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Volume I (Paris: CERF, 2019), 733-846.

34. Mohammadali Amirmoezzi, "Le shi'isme et le Coran", in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Volume I (Paris: CERF, 2019), 919-968.

35. David S. Powers, "Le Coran et son environnement légal", in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Volume I (Paris: CERF, 2019), 615-652.

۳۶. Guillaume Dye گیوم دی از اساتید و اسلام‌پژوهان دانشگاه آزاد بروکسل در بلژیک است. او با مطالعات زبان‌شناسی آشنا بوده و پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را در فرانسه در حیطه واژگان هند و اروپایی کار کرده است.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۳۷

الرحمن اشاره می‌کند. ادعای او این است که بر اساس شواهدی، آیه «أَلَا تَطَّعُوا فِي الْمِيزَانِ\* وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ»<sup>۳۷</sup> توسط نویسنده دیگری به متن نویسنده اول اضافه شده است. گیوم دی با بیان گسست ادعایی میان آیات قبل این دو آیه «وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ يَسْجُدَانِ\* وَ السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ»<sup>۳۸</sup> و آیات بعدی که درباره زمین و میوه‌ها و درختان خرما و دانه سخن می‌گوید: «وَ الْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ\* فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ\* وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّيْحَانُ»<sup>۳۹</sup> که تفاوت موضوعی دارد، در مقام کشف منشأ گسست این آیات از یکدیگر برآمده است. او با استناد به یک متن سریانی پیشاسلامی پسبایبلی، مدعی است قبل و بعد این دو آیه، برگرفته از متن یکی از عالمان مسیحی سریانی نسطوری به نام نرسای -متوفی ۵۰۲م- است که در آن آمده: «خدا آسمان را خلق کرد و میزان را خلق کرد». میزان، یک ترازوی کیهانی بوده که آب‌های زمین و آسمان را نصف می‌کند؛ نیم در زمین و نیم در آسمان. نتیجه آنکه تا آیه هفتم را یک کاتب نوشته، از آیه دهم به بعد را نیز همو نوشته، اما آیات ۸ و ۹ اضافه شده توسط کاتب دیگری است که چون متوجه نشده منظور از میزان، ترازوی کیهانی است، گمان کرده منظور، ترازوی کاسبی است و دو آیه مرتبط با اخلاق کسب به آن افزوده است.<sup>۴۰</sup>

این برداشت با چالش‌هایی روبه‌رو است:

۱. اشکال دی به گسستگی آیات، به دلیل بی‌اطلاعی از آرایه‌های ادبیات عرب است. اگر این نحو بیان، بر آرایه استطراد -که در کلام عرب متداول است- حمل شود، دیگر گسستگی در این آیات دیده نمی‌شود.

۲. با اشاره به دیگر مدل‌های تبیینی برای تشابه قرآن با متون پیش از خود، الزام اقتباس قرآن از متن سریانی از بین می‌رود و مسئله به نحو دیگری که منجر به تعدد کاتبان نشود قابل تبیین است. مثلاً، حسب مدل پیشنهادی انگلیکا نیورت، قرآن‌پژوهش آلمانی معاصر، قرآن اقتباسی از کتاب مقدس نیست تا نسبت به روایت‌های آن منفعل باشد. وی طرفدار نظریه انعکاس است به این معنا که گزاره‌ها و آیاتی از کتاب مقدس در قرآن انعکاس

۳۷. الرحمن، آیات ۸-۹.

۳۸. الرحمن، آیات ۶-۷.

۳۹. الرحمن، آیات ۱۰-۱۲.

40. Guillaume Dye. "Le corpus coranique: context et composition", 1: 733-846.

یافته و پس از انعکاس، توسط قرآن مورد ارزیابی و نقد مثبت یا منفی قرار گرفته است.<sup>۴۱</sup>

۳. بر اساس قرائن تاریخی، انتساب آن متن سریانی به نرسای (عالم مسیحی نسطوری پیشااسلام) قطعی نیست. همچنین تاریخ‌گذاری این متن به پیش از اسلام نیز محل تردید است که در این صورت احتمالات دیگری غیر از اقتباس یا تأثیرپذیری قرآن از متن سریانی طرح می‌شود. با توجه به اینکه نرسی از عالمان برجسته نسطوری بوده و کتابخانه‌ای گسترده در اختیار داشته، این احتمال قوی وجود دارد که متن او برگرفته از کتب وحیانی باشد و در نتیجه، به‌طور طبیعی، اشتراکاتی با قرآن که خود نیز متنی وحیانی است، داشته باشد. منشأ هر دو، وحی است؛ نه اینکه منشأ قرآن، سروده نرسی باشد.

۴. پژوهشگران به شیوه‌های دیگری - مثل چالش‌های فرقه‌ای - نیز در این تفسیر اشکال کرده‌اند، اما گفته‌اند در یک خوانش همدلانه، می‌توان برخی داده‌های ارائه‌شده توسط گیوم دی را پذیرفت، اما تحلیلی دیگر ارائه داد؛ تحلیلی که تعدد کاتبان را برنمی‌تابد.<sup>۴۲</sup>

به‌علاوه به نظر می‌رسد اشکال وارد نیست چون:

- با توجه به اینکه قرآن کریم به نقل و سماع به ما رسیده است؛

- نیز اینکه مقاله مربوطه در مقام تفسیر همین متن مورد بحث مسلمانان بوده است، پس نباید متن را بکاهد یا در آن تغییر دهد؛

- و اینکه چه‌بسا آن متن سریانی نقص داشته است و این آیات آمده تا نقص آن متن را برطرف کند و چون متن ناقص بوده، معنای لفظ «المیزان» را آنطور فهمیده‌اند. چرا باید گفته شود: «چون میزان به آن معناست، این دو آیه افزوده است»؟ بلکه می‌توان گفت: «چون میزان به این معناست، پس آن متن‌ها کاستی داشته است».

#### ۴-۲-۲. قرآن و تشیع

مقاله «قرآن و تشیع» را محمدعلی امیرمعزی نوشته است.<sup>۴۳</sup> آنچه وی در سخنرانی خود در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۹۹ در حلقه دیدگاه نو با عنوان «مطالعاتی تازه در باب ریشه‌های قرآن و

41. Angelika Neuwirth, Nicolai Sinai, and Michael Marx, *The Quran in context: historical and literary investigations into the Quranic milieu* (Leiden: Brill, 2010), 200.

42. قناعتگر، «بررسی ادعای گیوم».

43. MohammadAli Amir-Moezzi "Le shi'isme et le Coran", 1: 919-968.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۳۹

اسلام»، بیان کرد گزارشی از این مقاله است که تحلیل آن به شناخت کتاب و ایده‌های آن کمک شایانی می‌کند.

مؤلف در سخنرانی مذکور اظهار داشت که مسائل متعددی درباره قرآن وجود دارد که در خود قرآن پاسخ آنها نیست و خود مسلمانان هم پاسخ آنها را نمی‌دانستند و نمی‌دانند. از جمله آنها سؤالی است که با آن، سخنرانی خود را به این صورت به پایان می‌برد که: «در اینکه این بی‌نظمی هست، خود مسلمانان هم حرفی ندارند و حتی اینکه این بی‌نظمی ارادی است؛ ولی سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا امپراتوری و دستگاه خلافت این بی‌نظمی ارادی را خواسته و خواسته است آن را تحمیل کند؟»<sup>۴۴</sup> ایشان در توضیح مجلدات قرآن مورخان، بیان می‌کند که جلد اول این اثر به مطالعه بستر ظهور اسلام از دیدگاه سایر متون دینی پیش و همزمان با آن، اختصاص دارد و دو مجلد بعدی، در تک‌تک آیات ۱۱۴ سوره قرآن با نگاهی فیلولوژیک و تاریخی به مسائلی پرداخته که درباره قرآن وجود دارد. وی بر چهار محور نظم قرآن، ترتیب نزول، اسباب النزول، ناسخ و منسوخ، برای نمونه برای بیان این مطلب انگشت می‌گذارد که خود مسلمانان درباره چنین مسئله‌هایی اختلاف شدید داشتند و پاسخ آن را نمی‌دانستند.

**پس سخن او این نیست که «از منظر بیرونی در خصوص قرآن مسئله‌هایی وجود دارد»؛** بلکه سخن ایشان این است که قرآن از نظر خود مسلمانان در هم ریخته است و وضعیتی نامشخص دارد و اسباب نزول سوره‌ها و ترتیب آنها معلوم نیست و قرآن تناقضاتی دارد که با طرح اندیشه ناسخ و منسوخ، حل و فصل شده و این کتاب مملو از مسئله است و دلیل این مسئله‌داری این است که قرآن و اسلام در بستر خشونت زاده شد و بالید، این مسائل انعکاس خشونت و جنگ و اعمال قدرت حکام در متنی است که یک و نیم تا دو قرن بعد فراهم شد و رسمیت و تقدس یافت و دیانتی که ذیل آن نام اسلام گرفت. هرچند مسلمانان می‌کوشند بگویند قرآن از نظر ایشان کتابی سرشار از پاسخ‌ها است، اما واقعیت آن است که قرآن در میان آنها هم پر از مسئله است، بدون آنکه به آن اقرار کنند یا آن را بپذیرند. پس ایشان به‌طور مشخص قرآن را سه پاره می‌داند:

۱. یک پاره از منابع قبلی برداشته شده است.
۲. پاره دیگر افزوده‌های پسینی است که مربوط به رسمی‌سازی در زمان عبدالملک است.

۴۴. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

۳. پاره سوم - که اسم وحی هم بر آن نمی‌گذارد - تجربه خود پیامبر (ص) است. این قسمت سوم که گویا آن را اصیل می‌داند، آیات آخرالزمانی است و فایده دیگری برای تزیین آن ندارد؛ اینکه از این آیات اسم شخص علی و مسیح حذف شده است. وی استدلالی بر این اساس سامان داده که چون محمد آمده است تا آخرالزمان و پایان دنیا را اعلام کند و چون محمد متعلق به فرهنگی یهودی-مسیحی (biblical culture) است، چنین شخصی حتماً باید آمدن مسیح موعود را اعلام کند. او مدعی است که در متون شیعه روایاتی هست که در آن، علی ابن ابی طالب خودش را مسیح زمان معرفی می‌کند. آنگاه چنین نتیجه می‌گیرد که شاید برای بعضی از مؤمنین به پیامبر، علی مسیح و منجی آخرالزمانی بوده است. وی اعتقاد به شایستگی انحصاری علی (ع) برای جانشینی پیامبر را به این نگاه نسبت داده که ریشه نزاع‌ها بر سر خلافت هم شده است.<sup>۴۵</sup>

این سخنان امیرمعزی امتداد دیدگاه‌های پیشین او درباره تشیع و امامت است. حاصل کلام او این است که آنچه غلو نامیده می‌شود، تشیع واقعی است و تشیع واقعی قرآن را به رسمیت نمی‌شناسد.

#### ۴-۲-۳. قرآن و محیط شرعی آن

مدخل «قرآن و محیط شرعی آن» را دیوید استفن پاورز - استاد مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه گرنل و دانش‌آموخته دانشگاه پرینستون در همین رشته که زمینه تحقیقات اصلی او فقه و حقوق اسلامی است - در دو قسمت نوشته است:

قسمت اول شامل داده‌هایی مثل عدم ارث‌بری زنان است که قرآن درباره آن محیط در اختیار می‌گذارد.

- قسمت دوم متونی را مشخص می‌کند که قرآن با آنها تعامل کرده است و عبارت‌اند از: فقه بیزانسی، فقه ساسانی، کلیسای ارتدوکس سریانی، کلیسای مشرق، فقه حاکم، فقه آرامی مشترک، بائبل عبری، تلمود، قانون‌های کلیسای سریانی مشرق؛ یعنی این دو موضوع ابزار فهم قرآن قرار می‌گیرد.

این مقاله نمونه‌هایی مثل قوانین مدنی و سوره نساء و نسبتش را با متن پیشینی که مشابه آن احکام را دارد به بحث گذاشته است. این قسمت برای احراز صغرای سیره عقلا و نیز برای

۴۵. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۴۶

تدوین تاریخ فقه به کار فقیهان و فقه پژوهان می آید و مثل اثر کریستوف لوکزبرگ، «قرائت سریانی آرامی قرآن»، قرائت‌های متعدد مختلف برای الفاظ قرآن به دست داده است.

برداشت‌های این مقاله از دیدگاه محققان اسلامی با اطلاعات فقهی و کلامی درون‌دینی، قابل نقد است. مثلاً، در تفسیر آیه کلاله، با استناد به نسخه‌ای که در موزه‌ای در فرانسه دیده است، کلاله را کله - با یک لام مثل اسم‌هایی که از ماده ک ل ل در سایر زبان‌های سامی اشتقاق شده‌اند (اکادی: کلتو/kallatu؛ عبری: کلاه/kallah؛ سریانی: کلتا/kallta) - می‌خواند که به معنای «زن پسر/عروس» است تا با قواعد موجود در «مجموعه قوانین مدنی ژوستینین»<sup>۴۶</sup> سازگار باشد. وی بر این اساس، فهم فقیهان مسلمان را در این باب تخطئه و اختلاف آنها را به نادرستی قرائت آنها مربوط می‌کند. واضح است که چنین قرائتی مخالف همه ده قرائت مشهور و با قواعد فقهی ارث ناسازگار است. این خطا و اصرار برای آن است که حکم آیه با مجموعه قوانین پیش‌گفته سازگار باشد و علت اصرار بر این سازگارسازی، تمایل به ریشه‌یابی مطالب قرآنی در متون پیشین برای تأیید این انگاره است که قرآن کریم از متون پیشین برداشت شده است.<sup>۴۷</sup>

## ۵. نگاهی به مجلدات دوم و سوم

در جلد دوم و سوم، ادعا این است که تفسیری فیلولوژیک و تاریخی به صورت آیه به آیه از همه سوره‌های قرآن انجام می‌شود.

در این محث با مروری بر سوره‌های روم، طارق، لیل و همزه، روش تفسیر این سوره‌ها به منزله مصداقی از تفسیر آیه به آیه سوره‌ها در کتاب قرآن مورخان بررسی و نشان داده می‌شود. آنچه در این تفسیر است با ادعاهای کلی درباره این کتاب، زاویه دارد.

### ۵-۱. سوره لیل

نویسنده تفسیر سوره لیل، توماس تسئی (Tommaso Tesei) در مقاله خود سعی بر آن داشته است تا تحلیل خود از سوره‌ها را بر اساس مقایسه با محتوای کتاب مقدس ارائه نماید. این

۴۶. Justinian امپراتور روم شرقی از ۵۶۵-۴۸۲ بود که گروهی از فقها را تعیین کرد تا تمام احکام رومی موجود آن زمان را در یک مجموعه جمع کنند و این مجموعه به نام وی نگاشته شد (خدابنده‌لو، «قرآن و محیط شرعی آن»، ۲۷۵-۳۱۵).

۴۷. خدابنده‌لو، «قرآن و محیط شرعی آن»، ۲۷۵-۳۱۵.

تلاش وی با استفاده از وجود مشابهت‌ها در محتوای قرآن کریم و عهدین و مقایسه بین این دو متن است و به خلاف رسم معهود در تفسیر سایر سوره‌ها، در این مقاله، هیچ نشانی از شأن نزول آیات یا روایات تفسیری که مسلمانان در تفسیر سوره لیل گفته‌اند، دیده نمی‌شود. این به معنای نبود انسجام در روش نگارش مقالات و تفسیر سوره‌هاست.

در تفسیر این سوره، تنها تحلیلی صوری از ظاهر سوره، بدون ارائه معانی سوره و تحلیل معنوی آن آمده است. برای مثال، در بیان ساختار کلی سوره، ابتدا بیان کرده است که قافیه آیات در سوره بر «ی» است (a-); سپس سه سوگند ابتدای سوره را مشترک با ویژگی سوره‌های پایانی قرآن دانسته که بر محور مفاهیم جفتی (روز-شب، زن-مرد) است و از آیه ۴ تا آخر سوره را درباره تقابل میان مؤمنان و کافران و توصیف سرنوشت آنها بر اساس الگویی تکرارشونده در قرآن معرفی می‌کند. وی همین بسته را در سه زیرمجموعه دیگر (آیات ۴ تا ۱۱، آیه ۱۲ و ۱۳، آیات ۱۴ تا ۲۱) تقسیم نموده که در میان زیرمجموعه اول و سوم، در دو آیه ۱۲ و ۱۳ بر حاکمیت خداوند بر سرنوشت انسان تأکید می‌شود.

نویسنده در ادامه، نظر ریچارد بل را نقل می‌کند که معتقد است آیات ۱۴ تا ۲۱ مرحله ثانوی است که بر اساس بخش اول (آیات ۱-۱۳) افزوده شده است (آیات ۷ تا ۱۳ گفتار الهی به صورت اول شخص جمع و آیات ۱۴ تا ۲۱ از پیامبر قرآنی و به صورت اول شخص مفرد است). او همچنین افزوده بودن آیات ۱۹ تا ۲۱ را از بلاشر و نیز توجه کوپرس به عناصر مشترک بین دو سوره لیل و شمس را نقل می‌کند.

صورت‌بندی او از طرح کلی سوره، عبارت است از: سوگندهای آغازین (آیات ۱ تا ۳)، سرنوشت‌های مختلف انسان‌ها (آیات ۴ تا ۱۱ و ۱۴ تا ۲۱) تسلط خداوند بر سرنوشت انسان (آیات ۱۲ و ۱۳) که دو سوگند اول (آیات ۱-۲) مربوط به دو عنصر متضاد کیهانی (شب و روز) است و این دو آیه، ترکیب آینه‌ای آیات ۳-۴ سوره شمس است. سوگند آیه سوم - و ما خلق الذکر و الانثی - را یادآور اظهارات مشابهی در سوره نجم آیه ۴۵، سوره قیامت آیه ۳۹ و سوره حجرات آیات ۱۳ می‌داند. تعبیر «و ما» را یادآور عطف‌های مشابه در آیات ۵-۷ سوره شمس می‌بیند که در بی سلسله سوگندهایی به پدیده‌های کیهانی آمده است.<sup>۴۸</sup>

برخلاف آنچه در این مقاله آمده است، این سوره ناظر به آخرت، معاد و سرنوشت نیست؛

48. Tommaso Tesei, "al-Lay/ (La nuit)" in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Vol IIb (Paris: CERF, 2019), 2087-2090.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلشادی ۴۳

حکایتی از مسیر انسان و آسان شدن آن مسیر با گشایش شخصیتی و سختی آن با تنگ و ضیق شخصیتی است که این گشایش و تنگی برای انسان از طریق انفاق یا بخل‌ورزی پیش می‌آید. هسته اصلی سوره در آیه «إِن سَعِیْکُمْ لَشَتٰی» نهفته است که بیانگر گوناگونی رهسپاری در راه زندگی توسط انسان‌های مختلف است. از مفاهیم حاشیه‌ای که در این سوره مطرح می‌شود، انذار همیشگی پیام‌های قرآن است که در واقع بازتاب دو نوع عملکرد انسان است.

### جمع‌بندی

با توجه به آنچه بیان شد، در این مقاله، نه همچون دیگر مقالات، معنای محوری سوره بیان شده است، نه تحلیل لغوی از الفاظ و بیان نقاط پیچیده و چگونگی پاسخ به آن در برخی آیات موجود نیست. بنابراین، این مقاله را نمی‌توان تفسیری از سوره لیل دانست. اگر در کتاب قرآن مورخان، مقالات دیگری با این ویژگی هست که هیچ تفسیر و معنایی از الفاظ سوره و تحلیل معنوی آیات ارائه نمی‌دهد، ادعای تفسیر آیه به آیه بودن جلد دوم و سوم این اثر، حداقل در این مقالات نقض می‌شود.

### ۵-۲. سوره همزه

مقاله تفسیر سوره همزه - که توسط پاول نوینکریشن (Paul Neuenkirchen) نوشته شده است - منابعی بسیار قدیمی و به دور از رویکردهای جدید در تفسیر دارد؛ پس در این سوره دیدگاه تازه‌ای مطرح نکرده است، بلکه جمع‌بندی نگاه‌های قدیمی استشرافی است.

نویسنده در این مقاله ابتدا به ساختار کلی سوره پرداخته، تعداد آیات و وزن انتهای آنها را بیان کرده، سوره همزه را آخرالزمانی - معادشناسانه - معرفی و آنگاه آیات را به دو دسته تقسیم کرده است؛ به این صورت که آیات ۱ تا ۴ را نفرین عمومی خطاب به ثروت‌اندوزان و آیات ۵ تا ۹ را توصیف جهنم دانسته است که تهدیدی علیه همان ثروت‌اندوزان است.

وی همچنین دیدگاه‌ها درباره تاریخ‌گذاری این سوره را بیان می‌کند؛ مدنی، مکی متقدم و مکی متأخر؛ اما خود متمایل به رأی ریچارد بل است که احتمال تشکیل شدن سوره از دو متن - یکی قدیمی‌تر و شامل قسمت اول سوره و دیگری افزوده متأخر و شامل قسمت دوم سوره - را مطرح کرده است.

آنگاه شروع به تحلیل آیه به آیه نموده، در هر آیه، معنی الفاظ آن را از قول مستشرقانی چون ریچارد بل و رژی بلاشر نقل می‌کند. در الفاظ اساسی، بیان می‌کند که کاربردهای دیگر

این واژه در چه آیاتی از قرآن آمده است و همچنین به این نکته اشاره می‌کند که اگر این لفظ در سایر زبان‌های سامی معادلی نداشته باشد، باید مورد توجه قرار گیرد.

نسبت به دو قسمت سوره، پرسش از چیستی «الحطمة» و توضیح معنای آن در آیات ۵ تا ۹ را چیزی شبیه به شرح آیات پیشین و احتمال افزوده بودن آن را مطرح می‌کند، هرچند از قول برخی، ژانر موعظه‌ای بودن را دلیل بر چنین سیاق بیانی نقل می‌کند.<sup>۴۹</sup>

مقاله مدعی است در سوره همزه از «کلا لینبذن فی الحطمة» یک لایه خلفی است. گرچه ممکن است لایه خلفی به معنای الحاقی بودن باشد، منافاتی ندارد که منظور از آن، این باشد که گوینده اصلی، خود، متن را بر این لایه خلفی قرار داده باشد. پس چه‌بسا منظور، الحاقی بودن به حیث زمانی نباشد؛ چون سخن از چند لایه بودن است. لایه‌لایه بودن با وصله پینه بودن فرق می‌کند. او می‌گوید این لایه توضیحی است. بنابراین، نمی‌شود -چنانکه از فحوای کلام امیرمعزی برداشت می‌شود- چنین گفت که منظور از الحاقی بودن بعضی از جملات در بعضی از سوره‌ها، افزوده بعد از قرآنی بودن آنها باشد. نویسنده گویا در صدد این قضایا نیست، بلکه به دنبال جمع کردن دیدگاه‌های مستشرقان پیش از خود ذیل سوره بوده است.

### ۵-۳. سوره روم

مقاله مربوط به سوره روم را یان وان ریث (Jan M. F. van Reeth) نوشته است. آیات ابتدایی این سوره یعنی آیات شماره ۲ تا ۶، در میان مفسران، مورد بحث و دارای اهمیت است؛ زیرا در آنها دست‌کم از دو جنبه، ادعای اعجاز می‌شود؛ از باب إخبارات غیبی، خبر دادن از پیروزی بعد از شکست روم، می‌تواند پیشگویی قلمداد شود و از باب اعجاز علمی، تعبیر «ادنی الأرض» می‌تواند اشاره به محل حادثه باشد.

یان وان ریث در این آیات ابتدایی، به دو قرائت از قرائت‌های مطرح در این آیات می‌پردازد، قرائت اول را با ارائه دلایلی از تحقیقات خاورپژوهان رد می‌کند و به مقتضای قرائت دوم، با شواهد خود این دیدگاه را تقویت می‌کند که این آیات بعداً به این سوره افزوده شده باشند. یان، نام سوره را برگرفته از آیه دوم می‌داند که در آن به پیروزی رومیان اشاره شده است. او نسبت دادن این معنا به رومیان را در ادبیات عرب رایج، به خودی خود آشکار ندانسته، از آلفونس

49. Paul Neuenkirchen, "al-Humaza (Le calomniateur)", in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Vol Iib (Paris: CERF, 2019), 2203-2212.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۴۵

مینگانا (Alphonse Mingana) نقل کرده است که این نام اقتباسی از رومیایه -سریانی- به معنای سربازان ساده است. نویسنده یک احتمال معنایی از دو خاورپژوه دیگر -گیوم دی و منفرد کراپ (Manfred Kropp) - برای آیه اول نقل کرده است که «غلبت الروم» به معنای لعن باشد، یعنی «باشد که شکست بخورند» و می‌افزاید که در این صورت برای اینکه پیشگویی معنا داشته باشد لازم است متن اینگونه ادامه یابد: «بعد از شکست آنها چند سال دیگر شکست خواهند خورد». وی با نقل دو قرائت «غَلَبَت - سَيَغْلِبُونَ» و «غَلَبَت - سَيُغْلِبُونَ»، در پی یافتن پیروزی یا شکستی است که برای رومیان اتفاق افتاده است. او اشاره می‌کند که خاورپژوهی به نام ادموند بک (Edmund Beck) (۱۹۰۲-۱۹۹۱) پاره‌ای قرائن مربوط به دستور زبان به نفع قرائت مشهور، یعنی «غَلَبَت - سَيَغْلِبُونَ» در اختیار داشته است. یان، قرائت اول، یعنی همان قرائت مشهور را مورد پذیرش اکثر قاریان و مفسران در قرون وسطی و بیشتر ویراستاران و مترجمان دانسته و با طرح احتمالی در تطبیق این آیات، «غَلَبَت» را اشاره به شکست رومیان از ایرانیان در سال ۶۱۴ و «سَيَغْلِبُونَ» را پیروزی رومیان بر ایرانیان در سال ۶۲۲ قلمداد کرده است. آنگاه قرائتی بر ناسازگاری این تطبیق ارائه می‌دهد. یان وان ریث در مجموع، شادی مسلمانان در سال ۶۲۸ برای پیروزی بیزانسی‌ها را در منابع خود بدون پشتیبان یافته و می‌گوید توالی وقایع به‌سختی مؤید این امر است.

نویسنده در قرائت دوم، یعنی «غَلَبَت - سَيُغْلِبُونَ»، می‌گوید برخی تعبیر غَلَبَت را اشاره به پیروزی رومیان در سال ۶۲۴-۶۲۸ می‌دانند، هرچند عده‌ای دیگر آن را غیرحتمی دانسته، پیروزی بیزانسی‌ها در نزدیکی موته بر سربازان مسلمان بین سال‌های ۶۲۹ و ۶۳۰ را مطرح کرده‌اند. او خود درباره تعبیر «سَيُغْلِبُونَ» ابتدا احتمال می‌دهد مربوط به لشکرکشی مسلمانان به سمت تبوک باشد که پس از گفت‌وگو با هیئتی از اورشلیم تصمیم به عقب‌نشینی گرفتند. آنگاه از این احتمال برگشته و می‌گوید بر اساس دانسته‌ها، انتقام واقعی شکست ۶۲۹-۶۳۰، لشکرکشی نافرجام تبوک نبود، بلکه نبرد یرموک در اوت ۶۳۶ بود که در آن، ارتش بیزانس توسط خالدبن ولید شکست خورد و راه اورشلیم باز شد. وی لازمه این تطبیق را این می‌داند که آیات مدنظر از افزوده‌های پسینی بر متن قرآن باشند و با نقل اقوال شومیکر (Stephen J. Shoemaker)، نیورث (Angelika Neuwirth) و بک، نتیجه می‌گیرد پیشگویی به شکل کنونی آن، به هر روی نامربوط به زمان خود پیامبر و محصول افزوده بعدی است.<sup>۵۰</sup>

50. Jan M. F. van Reeth, "al-Rum (Les Romains)", in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Volume Ila (Paris: CERF, 2019), 1071-1078.

## نقد و نظر

به نظر می‌رسد در آیات ۲ و ۳، قرائن داخلی آیات<sup>۵۱</sup> از یک سو و قرائن خارجی<sup>۵۲</sup> از سوی دیگر، فی‌الجمله قرائت و برداشت مشهور را تقویت می‌کند:

مصاحفی که اکثر مسلمانان امروزه تلاوت می‌کنند، بر این قرائت است؛ یعنی این قرائت توانسته در فراز و فرود مطالعات و مباحثات لفظی و معنوی قرآن پژوهانه به رغم همه نقدها و طرح‌های مقابل، تاب آورد و در بخش اعظم جهان اسلام به‌مثابه قرائت راجح باقی بماند.

واژه «غلبه» هم در لغت<sup>۵۳</sup> و هم در استعمال دیگر قرآنی<sup>۵۴</sup> خود به جنگ مربوط است و اشارات زمانی و مکانی موجود در آیات، یعنی واژگان «بعد، قبل، بضع سنین و أدنی الأرض» با مد نظر بودن رخداد‌های خاص تناسب دارد.

به خود بالیدن باری تعالی و تشجیع پیامبر (ص) و مؤمنان و مذمت منکران با آیه «وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، با پیشگویی و اخبار غیبی سازگار است. این تعبیر که کلید حل بسیاری از معماهای این بسته آیات است معمولاً در تفاسیر مورد غفلت واقع می‌شود یا در جایگاه روشنگرانه خود در تبیین مراد از این آیات قرار نمی‌گیرد. «وعد الله» نه تنها می‌گوید خداوند این پیروزی را وعده می‌دهد، بلکه حد معنای آن از اخبار فراتر است و از انشاء و ایجاد نشان دارد. توضیح آنکه فرق است بین اینکه خبری بگوید قول می‌دهم پیروزی آنها/ شما اتفاق می‌افتد یا اینکه قادر مطلق می‌گوید وعده می‌کنم که پیروزشان/ تان کنم. فقره «لله الامر من قبل و من بعد» و نیز تعبیر «بنصر الله ينصر من يشاء»، قرائتی قوی هستند بر اینکه وعده مذکور از نوع دوم است. به‌ویژه آنکه در بیان قرآنی، همبستگی امر الهی و تکوین و ایجاد او، سابقه دارد چراکه فرموده است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»<sup>۵۵</sup> جالب آنکه ذیل خود آیه، فقره «وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» چه بسا هشدار و تشبیه به همین غفلت نسبت به وعده الهی باشد.

تعبیر «ينصر من يشاء» بعد از عبارت «بنصر الله» - چنانکه در تفسیر المیزان هم آمده

۵۱. یعنی آنچه به الفاظ و عبارات و معانی آیات مورد بحث و پیرامون آن مربوط است.

۵۲. یعنی نقل و روایت‌های ذیل و مرتبط با آنها.

۵۳. لغویان، غالباً را به معنای نزاع دانسته‌اند. خلیل‌بن‌احمد فراهیدی، کتاب‌العین، جلد ۴ (قم: هجرت، ۱۴۰۹)، ۴۲۰.

۵۴. (... فَلَکَمَا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْیَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِینَ یُظَنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً یَاذُنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِینَ)؛ البقره، آیه ۲۴۹.

۵۵. یس، آیه ۳۶.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۴۷

است - می‌تواند اشاره به این باشد که پیروزی رومیان نیز به یاری و نصرت خداوند واقع شده است.<sup>۵۶</sup> این بیان، دامنه مؤمنان شاد شده را به موحدان - در مقابل مشرکان - گسترش می‌دهد. صاحب‌المیزان معتقد است ضمیر «غلبهم» را چه به فارس برگردانیم یا «غلبهم» را مصدر مفعولی برای روم بدانیم، به معنای پیروزی رومیان در آینده خواهد بود: «و رومیان بعد از پیروزی فارسیان بر ایشان یا بعد از شکستشان پیروز خواهند شد».<sup>۵۷</sup>

آیات از آینده‌ای خبر می‌دهد که مسلمانان به واسطه نتیجه یک جنگ - که علیه ایرانیان است - شاد می‌شوند و با این وعده و حکایت در صدد است روحیه مؤمنان را که در دوران مکی تحت ستم و نزاع دائمی با دشمنان خود بوده‌اند تقویت کند و برای آنان حالت امیدبخشی دارد، مخصوصاً که با تحقق یافتن این وعده الهی، با تقویت شدن مکتب و عقیده‌شان به واسطه همین پیشگویی، موضعشان در مقابل دشمنان تقویت خواهد شد.

تحقق این پیشگویی آنقدر مهم است که می‌تواند سبب اصلی فرح مؤمنان بوده باشد. پایان سوره قبل که در ترتیب مصحف فعلی سوره عنکبوت - و در فهرست ترتیب نزول‌های مشهور سوره انشقاق - است درباره تکذیب رسالت الهی و مذمت تکذیب‌گران است و آیات بعد از بسته مورد نظر در این سوره هم به غفلت دشمنان از حقایق نبوت و حیات آخرت مربوط است. پس در مجموع، این بسته در سیاق تکذیب و غفلت منکران و تمجید و تشویق و دلداری دادن به مؤمنان واقع است.

این بسته آیات در عین اینکه با قول و گفتار با خبر پیروزی روم و شادی مؤمنان روح امید و نشاط در آنها می‌دمد و وجهی حمایت‌گرانه از باری تعالی تجلی می‌دهد، در عمل هم با عرض اندامی پیشگویانه دست و بال پیامبر (ص) و مؤمنان را از معجزه که هم قوت قلب آنان است و هم به کار اسکات و الزام دشمنان می‌آید پر می‌کند. در این بیان و تفسیر، گلوگاه‌های تفسیری دیگر مثل «فرح مؤمنان» و «آدنی الارض» و «بضع سنین» با انسجام قابل قبولی، توجیه‌پذیر خواهند بود.

افزون بر قرائن لفظی و سیاقی در خود آیات که شرحش گذشت، روایات معتبر اسلامی و به‌ویژه شیعی، به رغم اختلافاتی که در تطبیق دارند، اجمالاً آیات را به جنگ‌های ایران و روم پیروزی اولیه ایران بر روم و مغلوب شدن ثانویه ایران، اعم از اینکه ایرانیان در مرحله دوم از روم

۵۶. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۶ (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق)، ۱۵۶.

۵۷. طباطبایی، المیزان، ۱۵۵.

شکست خورده باشند یا از مسلمانان، ربط داده‌اند.<sup>۵۸</sup>

به این ترتیب انگیزه‌ای برای آنکه مثل نویسنده، به دنبال جمع قرائن برای اثبات متأخر بودن آیات و افزوده بودن آنها بیفتند، باقی نمی‌ماند.

#### ۴-۵. سوره طارق

گیوم دی در تفسیر سوره طارق ابتدا به بیان ساختار کلی سوره پرداخته است که شامل تعداد آیات، وجه تسمیه سوره، وزن فواصل آیات و تقسیم‌بندی سوره است به شرح زیر:

آیات ۱ تا ۱۰: تنظیر بین قدرت خداوند در آفرینش و توانایی او در زنده کردن مردگان؛

آیات ۱۱ تا ۱۴: ژانر تأیید وحی؛

آیات ۱۵ تا ۱۷: با فرض اینکه محمد در آیه ۱۷ مخاطب باشد، حمایت از پیامبر است.

در آیه اول، سوگند به آسمان و طارق است و طارق را اصطلاحی مبهم دانسته و به معانی مختلف آن در تفاسیر مسلمانان و نیز مترجمان مدرن پرداخته است. سوگند به آسمان را وجهی برای قرار گرفتن این سوره پس از بروج که آن هم با سوگند به آسمان شروع شده مطرح کرده است. «و ما ادراک ما» را عبارتی می‌داند که کاربرد آن در قرآن، تقریباً همیشه مربوط به اصطلاحات معاد است، جز برای العقبه، لیلۃ‌القدر و الطارق. آنگاه فهم چرایی کاربست این تعبیر برای طارق را مشکل می‌داند و احتمالی مطرح می‌کند که اگر شب قدر، شب میلاد را تداعی کند، ممکن است طارق ستاره میلاد مسیح باشد.

به گفته او بین آیه ۴ و مابقی آیات انقطاع وجود دارد و آن را به فرشتگان مرتبط دانسته است و آنگاه آیات ۵ تا ۱۰ را مرتبط به خلقت و معاد می‌داند با این استدلال که کسی که قدرت آفرینش دارد قدرت قیامت نیز دارد. وی آیه ۹ را ناظر به انکار شفاعت و فرار از داوری می‌بیند و در آیه ۱۰ با بیان اینکه اسرار قلب مورد آزمایش قرار خواهد گرفت، به دو فقره از انجیل<sup>۵۹</sup> ارجاع داده است.

این استدلال با دو قسم دیگر در آیات ۱۱ و ۱۲ تأیید می‌شود؛ سوگند به دو پدیده آسمانی و زمینی به منزله دلیلی بر قدرت مطلق خداوند و قیامت.

۵۸. زهرا اخوان صراف، «روم، رومیان»، در: *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۲۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی (تهران: انتشارات دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۴۰۲)، ۶۹۱-۶۹۳.

۵۹. رومیان ۲:۱۶؛ قرتیان ۴:۵.

تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۴۹

گیوم دی ارتباط بسته آخر آیات (۱۵ تا ۱۷) را با آیات پیشین نامشخص می‌بیند و با فرض منطقی اینکه آیه ۱۷ خطاب به پیامبر باشد، می‌گوید باید اذعان کنیم این گفتار در دهان خدا قرار گرفته است! در حالی که به نظر می‌رسد آیات ۱۱ تا ۱۴ منسوب به رسول بشر است و هدف آن را تشویق پیامبر در برابر دشمنانش می‌داند با یادآوری اینکه او از حمایت خدا برخوردار است و خدا از دشمنان حيله‌گرتر و ماهرتر است.<sup>۶۰</sup>

ملاحظاتى بر تفسیر:

دکتر ابراهیم عوض در پاسخ مکاتبة نگارنده با وی نسبت به تفسیر سوره طارق به مواردی اشاره کرده است که در این قسمت بدون قصد تأیید همه دیدگاه‌های او، نقل آنها خالی از فایده نیست:<sup>۶۱</sup>

- مفسر «الطارق» را به «ستاره شبانه» معنا کرده است. او تفسیر خود آیات از طارق را نادیده گرفته و خودش از صفر شروع کرده، نه آنکه در لغت‌نامه‌ها معنای آن را بیابد. حال آنکه خود قرآن شرح آن را بیان کرده است به: ستاره فروزان (النجم الثاقب).

- افزون بر اشکال وی، در این تفسیر به ظرافت معنایی «الطارق» به معنای «کوبنده در» اساساً توجهی نشده است.

- مفسر در آیات ۱ تا ۱۰ به درستی معنا را تشخیص نداده است؛ در ۴ آیه اول سخن از آن است که بر هر نفسی، نگه‌دارنده‌ای هست، ولی ۶ آیه دیگر، در این سیاق نیست؛ ۳ آیه درباره خلقت انسان و قدرت خداوند بر بعث است؛ یعنی آیات سخن از قدرت خداوند بر بعث دارد نه قدرت او بر خلق (هرچند که از ماده اولیه آفرینش انسان سخن گفته است). در دو آیه ۹ و ۱۰ نیز سخنی از قدرت خداوند بر بعث نیست، بلکه درباره بیرون ریختن آنچه ورای پرده‌هاست و نیاز انسان به پشتیبان و نبود یاور سخن می‌گوید.

- اینکه آیات ۱۱ تا ۱۴ را تأیید وحی گرفته است، درست نیست؛ زیرا این آیات تأیید و تأکید وحی نیست، بلکه سوگند بر آن است که روز قیامت و حسابرسی اتفاق خواهد افتاد و این کلام، قول فصل است و شوخی نیست.

60. Guillaume Dye, "al-Tariq ([L'astre] nocturne)" in *Le Coran des historiens*, ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Guillaume Dye, Vol Iib (Paris: CERF, 2019), 2029-2034.

۶۱. عوض، «ملاحظات سريعة علی...».

- اینکه قسم ابتدای سوره را مبهم دانسته است، صحیح نیست؛ زیرا اگر منظورش نامعلوم بودن معنای طارق باشد که خود آیات معنای آن را بیان کرده است (النجم الثاقب) و اگر منظورش کل قسم باشد که چنین ابهامی وجود ندارد، چه آنکه خدا می‌فرماید: «قسم به آسمان و قسم به طارق، چگونه توانی بدانی طارق چیست؟ آن ستاره درخشنده‌ای است که نورش نفوذ دارد، هیچ نفسی نیست مگر آنکه برای او نگرهبانی گماشته شده است».

- گیوم دی، در اشاره به روایاتی در تفسیر النجم الثاقب، نه خود آن روایات و نه مصدرش را ذکر نکرده است تا کسی که می‌خواهد آن را بیابد؛ ولی وقتی تفاسیر را ذکر کرده، هم نام مفسر و هم مستند قولش از آن تفسیر را نقل کرده است. گذشته از آنکه ترجمه‌ها هم از الطارق، به شبگرد، مهمان شبانه یا روزانه، دنباله‌دار و... درست نیست در جایی که قرآن خود آن را به النجم الثاقب تفسیر کرده است. ربط دادن النجم الثاقب به الشهاب الثاقب هم نادرست است، زیرا شهاب، شعله آتشی است که شیاطین با آن رانده می‌شوند.

- ربط بین لیلة القدر و لیلة المجوس هم صحیح نیست؛ لیلة القدر ظرف نزول قرآن است و لیلة المجوس شب میلاد مسیح است. اصلاً در حکایت میلاد مسیح (ع) در قرآن نیز ربطی بین آن و ستاره مجوس نیست، در اناجیل سه‌گانه هم چنین ربطی نیست. فقط در انجیل متی حکایتی خیالی و پر اشکال از آن آمده است.

- ادعای منقطع بودن آیه ۴، صحیح نیست. این آیه، جواب قسم‌های ابتدای سوره است و در نبودش قسم‌ها ناقص می‌ماند و تأکید بر آن است که هر شخصی را حافظانی است که اعمال او را - برای حساب - حفظ می‌کنند.

- در تفسیر آیه ۱۰، ارجاع دادن به انجیل رومیان ۲:۱۴ - که در آن تعبیر «سَرَائِرِ النَّاسِ» دارد - اشاره به آن است که پیامبر (ص) این لفظ را از آن متن برداشت نموده است. حال آنکه وجود صرفاً یک کلمه با دو کاربرد متفاوت<sup>۶۲</sup> در دو متن، دلیلی بر اقتباس نیست. «سرائر النفوس» عبارتی عادی است و خصوصیتی ندارد تا گفته شود پیامبر (ص) آن را از عهد جدید برداشت کرده است.

## ۶. چالش‌های مطرح درباره تاریخ مادی

مطالعات قرآنی امروزی خاورپژوهان تا حد زیادی بر فرهنگ مادی مبتنی است و مراد از

۶۲. در قرآن: «یوم تبلی السرائر»، در رساله پولس به رومیان: «فی الیوم الذی فیهِ یدینُ اللهُ سَرَائِرَ النَّاسِ حَسَبَ إِنْجیلیِ یَسُوعَ الْمَسِیحِ».

تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۵۱

روش‌هایی که به آن فرهنگ مادی می‌گویند دست‌ساخته‌ها و بوم‌ساخته‌هایی مانند اشیاء و معماری و شامل بقایای مادی از یک جامعه کهن است<sup>۶۳</sup> که باستان‌شناسان و انسان‌شناسان از آن برای شناخت رفتارها، هنجارها و آیین‌های مردمان باستانی بهره می‌برند. منبع مهم در تازه‌یافته‌های کتاب قرآن مورخان همین فرهنگ مادی - یا به بیان امیرمعزی، تاریخ مادی (Material history) - است که از نظر او مجموعه‌ای از سکه‌ها، سنگ‌نبشته‌ها، گرافیتی‌ها و نامه‌هاست که از باستان‌شناسی، سنگ‌نوشته‌شناسی، خط‌شناسی و نسخه‌شناسی به دست می‌آیند.

### ۶-۱. راستی‌آزمایی

قرآن پژوهان مدرن، یافته‌هایی را مطرح می‌کنند که در اختیار نیست، چنانکه جناب امیرمعزی هم در معرفی کتاب قرآن مورخان مطرح کرده است؛ یعنی اینطور نیست که آن یافته‌ها، مثل کتابی کهن یا نسخه‌ای از قرآن در کتابخانه قابل دسترسی و مشاهده باشد. مثلاً، ادعا می‌شود اخیراً در عربستان میلیون‌ها سنگ‌نبشته و گرافیتی یافت شده است که به‌طور پیوسته در سایت آقای جلال قرار می‌گیرد.<sup>۶۴</sup> می‌پرسیم از کجا بدانیم چنین چیزهایی واقعاً یافت شده است. بالأخره هر پژوهشگری که ادعایی می‌کند باید ادعایش برای متخصصان رشته مربوطه قابل راستی‌آزمایی باشد. اینکه یک سایت نمونه‌هایی منتشر کند یا یک تألیف ادعا کند، به‌ویژه به خاطر اهمیت مطلب، قابل اعتماد نیست حتی اگر ادعا شود دانشگاه‌های مختلف بر این داده‌ها اعتماد کرده‌اند. به عبارت دیگر مدعیان باید راهی برای راستی‌آزمایی اصل ادعای یافت شدن و چستی محتوای این منابع در اختیار عموم پژوهشگران پیشنهاد کنند و مادام که چنین امکان عمومی - یا حتی خاص متخصصان، اما از کشورها و نحله‌های فکری مختلف که اجماعشان یقین‌آور باشد - فراهم نیست، مدعیات در حد احتمال باقی می‌مانند.

علاوه بر آن، لازم است راهی برای جلب اعتماد به داده‌ها و فرضیات مطرح‌شده در این

۶۳. ویکی‌پدیا، «فرهنگ مادی»، دسترسی در ۱۴۰۳/۱۲/۶، [https://fa.wikipedia.org/wiki/فرهنگ\\_مادی](https://fa.wikipedia.org/wiki/فرهنگ_مادی).  
۶۴. احمد الجلال، فیلولوژیست، مورخ زبان و کتیبه‌شناس عرب-آمریکایی است که دکترای خود را در دانشگاه هاروارد در رشته زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک گذرانده است و در زمینه تاریخ، زبان و فرهنگ‌های عربستان پیش از اسلام، ساختار جاهلیت در منابع متأخر، کتیبه‌های عربستان و زبان‌شناسی سامی تخصص دارد. گفته می‌شود وی به همراه تیم‌هایی در اکتشافات باستان‌شناسانه در جنوب عربستان فعالیت دارد و نتیجه پژوهش‌هایش را به ضمیمه تصاویری از کتیبه‌ها، گرافیتی‌ها و ... به همراه خوانش و ترجمه آن آثار در سایت متعلق به وی منتشر می‌کند و در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. زهیر میرکریمی، «گزارشی از برخی یافته‌های پژوهشگران درباره دوران باستان و اسلام آغازین و پیامدهایشان برای دین‌پژوهی»، دسترسی در ۱۴۰۳/۱۱/۱۸، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahebat\\_Archive/743](https://t.me/Anjoman_Mobahebat_Archive/743).  
او در حال حاضر درباره زبان‌ها، نظام‌های نوشتاری و فرهنگ‌های عربستان پیش از اسلام تحقیق می‌کند و استاد کرسی Sofia برای مطالعات عربی در دانشگاه ایالتی اوهایو است <https://leidenuniv.academia.edu/AhmadAlJallad>.

کاوش‌ها ارائه شود تا بتوان نسبت به داده‌های اولیه، تحلیل آنها و نتایجی که بر آن مترتب می‌شود اطمینان حاصل نمود. برای مثال، راه دسترسی به نتایج کاوش‌های باستان‌شناسانه، مراجعه به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی معرفی‌شده توسط این پژوهش‌ها معرفی می‌شود؛ اما با پیشرفت‌های امروزی در زمینه هوش مصنوعی و سایر ابزارهای ساخت و ویرایش و تدوین عکس و فیلم، با کیفیتی شبیه به واقعی، چطور می‌توان مطمئن بود که آثار منتشرشده، مجرد تصویربرداری و داده‌هایی خام است یا حاصل پردازش روی داده‌های خام است؟ چنانکه احمدالجلاد در گزارش پژوهش خود درباره محل زندگی قوم عاد، تصویری را که عموم مردم آن را حاصل کاوش‌های تاریخی و از اسکلت‌های یافت‌شده در آن سرزمین و تأییدی بر غول‌پیکر بودن آن مردمان می‌دانستند حاصل پردازش کامپیوتری قلمداد کرده، ادعا نموده که آن مردمان هم جثه‌ای کمابیش هم اندازه با انسان‌های امروزی داشته‌اند.<sup>۶۵</sup> پرسش این است که چه تضمینی هست که در دهه‌های آینده، همین تصاویر سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها، حاصل عملکرد هوش مصنوعی یا نرم‌افزارهای ویرایش و تدوین تصویر و فیلم نبوده باشد؟

#### ۶-۲. اعتبار معرفت‌شناختی

یافته‌های باستان‌شناسی، مثلاً گرافیتی یا نامه‌ای که اخیراً یافت شده است، در بهترین حالت **داده‌ای خام است**. این تفسیر داده‌هاست که در مطالعات قرآنی مورد توجه قرار می‌گیرد. اینکه قرآن پژوهی غربی خودش ادعای یافتن می‌کند، خودش داده‌ها را به ما عرضه می‌کند، خودش این داده‌ها را تفسیر می‌کند و بر اساس تفسیرش در خصوص علوم قرآن و تفسیرش، نظریه‌های مختلف می‌سازد، اشکالات معرفت‌شناسانه متعدد دارد، از جمله آنکه از کجا بفهمیم چیزهایی که یافت شده است بر ادعایی که می‌شود دلالت دارد. مثلاً، مجید سلیمانی در نشست مربوط به معرفی کتاب **قرآن مورخان** ادعا کرد که در میان گرافیتی‌های قرن اول که نقش توحید و لا اله الا الله و نام‌های دیگر انبیا را دارد و مثلاً در دعاها «برب هارون، برب موسی» آمده است تا سال‌های حدود هفتاد و هشتاد هجری نام محمد نیست. وی این نیافتن را از جنس فکت دانسته، می‌گوید: «این غیبت بی‌دلیل نمی‌شود» و در ادامه آن را خوانشی رقیب می‌داند که در فهم آیه «ما کان مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَکُنْ رَسُوْلَ اللّٰهِ وَ خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ»<sup>۶۶</sup> کمک می‌کند و نوعی بازتعریف نقش و جایگاه پیامبر نزد مؤمنان متأخر می‌شناسد

65. Ahmad AlJallad, "from history to Myth, and back again," accessed February 7 2025, <https://www.youtube.com/watch?v=VCmE-cmnEjo>.

۶۶. احزاب، آیه ۴۰.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۵۳

که با مباحث آخرالزمانی مطرح در آن وقت مرتبط است.<sup>۶۷</sup> نتیجه‌گیری او در راستای فرضیه امیرمعزی است که نهاد اسلام با پیامبری معتبر را متأخر می‌داند؛ اما به فرض همراهی با مدعا، این نتیجه‌گیری علمی نیست و وابسته به تحلیل و تفسیر شخص مدعی است؛ زیرا طبق گفته مورخان، مسلمانان تا سال ۸۴ هجری سکه‌ای ضرب نکرده بودند، بلکه از همان سکه‌های ایرانی و رومی استفاده می‌کردند. در آن زمان عبدالملک مروان سکه اسلامی ضرب کرد؛ یعنی همان درهم و دینار رایج را با صبغه‌ها و شعارهای اسلامی آراست و پس از عراق در بلاد دیگر اسلامی سکه ضرب و رایج شد.<sup>۶۸</sup>

### ۳-۶. وزن و جایگاه

احتمالی بودن فرضیه‌هایی که داده‌های تاریخ مادی پیش رو می‌نهد، امر دیگری است که در مطالعات مبتنی بر این داده‌ها باید به‌طور جدی مد نظر باشد. واقعیت آن است که یافته‌های باستان‌شناسی در نهایت و در فرض بسیار خوش‌بینانه، در مطالعات قرآنی می‌توانند احتمالاتی علمی مطرح کنند که در کنار سایر قرائن و احتمالات قرار گیرد. درست نیست که این داده‌ها هنگام عرضه در قالب فرضیه مطرح شود؛ اما در مقام نتیجه‌گیری، در قالب یک امر مسلم و علمی انگاشته شود و هر گونه نقد و اشکالی بر آن، به اتهام نگاه ایدئولوژیک، رد شود. مطالعات مدرن قرآنی محققان غیرمسلمان عمدتاً در تکیه به تاریخ مادی چنین است؛ در حالی که خود آنان که عقاید و پیش‌فرض‌هایی در جهت معین دارند، نیز نوعی ایدئولوژی دارند.

### ۴-۶. اشکال روشی استاندارد دوگانه

نگاه دوگانه محققان این حوزه به اسناد اسلامی، به گونه‌ای است که سبب می‌شود نتایج پژوهش‌های آنان، سوگیرانه دیده شود؛ زیرا وقتی متن و روایتی متناسب با نظر آنان یا تقویت‌کننده تئوری‌هایشان باشد، به‌مثابه شاهد به آن استناد می‌کنند، ولی اگر امری موافق دیدگاه مدنظرشان نباشد، اظهار می‌شود که این روایات قابل‌اعتماد نیست و باید به سراغ اسناد بی‌طرفی از منابع غیرمسلمانان رفت. این برخورد دوگانه، خود نگاهی ایدئولوژیک و سوگیری در تفسیر تاریخ و متن به شمار می‌رود.

۶۷. امیرمعزی، سلیمانی و متقی، «مطالعاتی تازه».

68. John Porteous, *Coins in History: A Survey of Coinage from the Reform of Diocletian to the Latin Monetary Union* (London: Weidenfeld and Nicolson, 1969), 14-33.

## ۷. خاتمه (نتایج و پیشنهادها)

### ۷-۱. دیدگاه

- قرآن‌پژوهی غربیان در دوره معاصر بر قواعد مطالعات مدرن کتاب مقدس مبتنی است و قرآن را با قیاس به آنچه در مطالعات جدید آن متن به کار گرفته، مورد مطالعه قرار می‌دهد. موجه بودن و کارآمدی آن روش‌ها نسبت به قرآن به خاطر ویژگی‌های خاصش، جای بحث و تأمل است.

- تألیف متأخر کتاب مقدس و رسمی‌سازی‌های پسینی آن از یک سو و مبتنی بودن متن رسمی شده بر دو یا بیش از دو منبع پیشینی از سوی دیگر، مطالعات آکادمیای غرب در باب قرآن را، مخصوصاً در دوره جدید، به این خطا می‌برد که به جای تلاش برای فهم قرآن در جایگاه یک متن وحیانی، به دنبال منابع عبارات و فقرات و زمان وارد شدن هر عبارت به این کتاب و مصدر هر عبارت و تلاش برای علامت‌گذاری عبارات افزوده و مرحله افزودگی هر عبارت باشد. به همین دلیل همواره در مطالعه قرآن در فرضیه‌سازی و تئوری‌پردازی به شکل کلان با خطا مواجه است. اینکه قرآن در بستری تاریخی و متأثر از آن نازل شده، به قالب قرآن مربوط است نه قلب و محتوای آن.

- پرسش‌های معرفت‌شناختی مهمی وجود دارد که اعتبار روش‌های به کار رفته در کتاب قرآن مورخان، منوط به پاسخگویی شفاف به آنها است. روش‌هایی مثل تکیه بر تحقیقات فرهنگ و تاریخ مادی، مادامی که راهی برای راستی‌آزمایی عمومی و طریقی برای تثبیت جایگاه معرفت‌شناختی آن ارائه نمایند، از حد طرح احتمال فراتر نمی‌رود.

- رویکردها و دیدگاه‌های مطرح در جلد اول قرآن مورخان (کلیات قرآن‌پژوهانه آن)، با محتوای تفسیری اثر، همسو نیست و مفسران سوره‌ها بیش از آنکه از این دستاوردهای جدید بهره برده باشند، آثار مستشرقان پیشین را - آن هم به صورت ناقص و غالباً با تکیه بر چند فرد معین - گردآورده‌اند.

## ۲-۷. بایسته‌ها و استفاده‌های قابل ذکر در کتاب قرآن مورخان

### استفاده

- دیدگاه‌های نو درباره آیات و عبارات قرآنی طرح می‌شود که حاوی اطلاعات سودمندی است که اگر در جای خود و با ارزش‌گذاری معرفت‌شناسانه صحیح در مطالعات تفسیری و فقهی و حتی خود قرآن‌شناسی مطالعه شود می‌تواند ارزشمند باشد. نمونه آن چیزی است که درباره مدخل چهاردهم از جلد اول، در چهارچوب مطالعات فقه سنتی مثل احراز صغرای سیره عقلای معاصر با معصوم و در تاریخ‌نویسی فقه مطرح می‌شود.
- بینامتنیتی که بین متن قرآن با متون دیگر تشخیص داده شده است می‌تواند به‌مثابه قرینه‌ای به کار مطالعات قرآنی بیاید مشروط بر آنکه مثل هر اثر ظنی دیگری بر میز مطالعه قرار گیرد و متن یافت‌شده، اصل شمرده نشود (نظیر سوره الرحمن و متن نسطوری) و زیر سوال بردن استقلال و اعجاز قرآن، هدف یا نتیجه نباشد.

### ایضاح و تبیین

- نسبت به مطالبی از کتاب که مستقیماً اصالت قرآن را نشانه می‌گیرد - مثل بعضی از مقالات جلد اول - طبیعتاً متخصصان می‌توانند آن را با گشودگی بخوانند؛ زیرا هم تشبیهات و توجهاتی برای زمینه‌های بایسته مطالعه به دست می‌دهد و هم اگر کسی در صدد تبیین و پاسخگویی باشد اقدام مناسب صورت گیرد.
- اظهاراتی که مبتنی بر نفهمیدگی و کج‌فهمی ناشی از آفت بیرونی‌گری است توسط پژوهشگران مسلمان تبیین شود. در بسیار از موارد انگاره تعدد کاتبان با قرائن و توضیحات دقیق رفع می‌شود.

## ۳-۷. آورده نهایی (برای باورمندان به اصالت و وحیانیت قرآن)

- مطالعات قرآنی به دست خود پژوهشگران مسلمان روشمند شود که به مطالعات مدرن هم گشوده هستند؛ اما در پرتو باور و ایمان آنها را خردمندانه و اخوانی می‌کنند.
- در دیدگاه‌ها، روش‌ها و اطلاعات موجود در قرآن‌پژوهی، رسمی‌سازی متأخر، تدوین، نقد فرمی یا تاریخ مادی هم می‌شود با پیش‌فرض‌های باورمندانه نظر شود و ملاحظه این امور برای بعضی از پژوهشگران ممکن است سودمند باشد، بدون آنکه الزامی به این ملاحظه باشد.

- این دیدگاه‌ها و روش‌ها و اطلاعات صلاحیت چالش در باور به اصالت قرآن را ندارد؛ چون ارزش ظنی این روش‌ها و داده‌ها از ظن حاصل از خودِ نصوص در فضای سنتی در بدترین حالت، بیشتر نیست.

- البته باب پژوهش و تغییر دیدگاه همواره برای پژوهشگران باز است و سنتی‌ترین و راست‌کیشانه‌ترین باورها در خصوص قرآن هم نسبت به مطالعات قرآنی گشوده است؛ زیرا اذعان دارد قرآنی که وحی آسمان و از عالم برتر است از همان مصدر محافظت می‌شود که: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»<sup>۶۹</sup> و «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ»<sup>۷۰</sup>... بنابراین، برآیند مطالعات خنثی، غیرباورمندانه و حتی مغرضانه هرگز نمی‌تواند به ضرر کتاب عظیم باشد و پس در این راستا خوفی نیست.

---

۶۹. حجر، آیه ۹.

۷۰. فصلت، آیه ۴۲.

تحلیل مباحث قرآن‌پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۵۷

## سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- قرآن کریم.  
اخوان صراف، زهرا. «آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورپژوهان»، مشکوة، شماره ۸۱ (اسفند ۱۳۸۲): ۱۶-۴.
- اخوان صراف، زهرا. «حفره‌های استشراقی پیش روی مطالعات مدرن و روشمند قرآن»، مشکوة، شماره ۱۵۳ (اسفند ۱۴۰۰): ۶۳-۸۲.
- اخوان صراف، زهرا. «نقد روش‌های مطالعات مدرن کتاب مقدس با تأکید بر قرآن مورخان»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://taqribstudies.ir> / گزارش-نهایی-کرسی-۷۰/.
- اخوان صراف، زهرا. «واگرایی مطالعات تفسیری معاصر از غایات انسان‌مدار قرآن کریم»، *اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر*، شماره ۳ (بهار و تابستان ۱۴۰۲): ۱۹-۳۷.
- اخوان صراف، زهرا. گزارش مشروح جلسات انجمن مباحثات قرآنی دفتر اول: مباحث تفسیرپژوهانه. قم: [بی‌نا]، [بی‌تا].
- امیرمعزی، محمدعلی. «از کلینی تا خمینی، فقهای شیعه ادعای عرفان دارند»، دسترسی در ۱۹/۱۱/۱۴۰۳. <https://www.rfi.fr/fa/> فرهنگ-و-هنر/۲۰۱۸۰۷۲۲-از-کلینی-تا-خمینی-، فقهای-شیعه-ادعای-عرفان-دارند؛ -گفت%80%80%80E2%80%80-با-محمدعلی-امیرمعزی.
- امیرمعزی، محمدعلی. «تشیع نخستین، گذرگاه عرفان باستان به عرفان اسلامی»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://t.me/AmirMoezzi/99>
- امیرمعزی، محمدعلی، مجید سلیمانی و محسن متقی. «مطالعاتی تازه در باب ریشه‌های قرآن و اسلام»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://t.me/Didgahenochannel/1417>.
- انجمن مباحثات قرآنی. «نگاهی به کتاب قرآن مورخان و نشانه‌ها و ریشه‌های شیعه‌شناسانه آن»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahebat\\_Archive/619](https://t.me/Anjoman_Mobahebat_Archive/619).
- بازرگان، عبدالعلی. «قرآن، یک متن مسئله‌دار!»، دسترسی در ۱۸/۱۲/۱۴۰۳، <https://t.me/AbdolaliBazargan/464>.
- جازاری معمولی، سعید. «چرا قرآن مورخان مهم است؟»، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://iqna.ir/fa/news/3956320> / چرا-کتاب-قرآن-مورخان-مهم-است.
- خدابنده‌لو، محمد. «قرآن و محیط شرعی آن (مدخل چهاردهم قرآن مورخان): کاربردی رویکرد تاریخی در اجتهاد فقهی»، *دوفصلنامه دین و دنیا*، شماره ۹، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲): ۲۷۵-۳۱۵. <https://doi.org/10.22096/rc.2023.1990897.1097>
- سلیمانی، مجید. «قرآن مورخان»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://danet.ir> / قرآن-مورخان.

شریعتمداری، حمیدرضا. «واکاوی شیعه‌شناسی دکتر امیرمعزی با تکیه بر مقاله تشیع و قرآن»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahebat\\_Archive/754](https://t.me/Anjoman_Mobahebat_Archive/754).

قناعتگر، مصطفی. «بررسی ادعای گیوم دی پیرامون تعدد کاتبان در تدوین سوره الرحمن»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahebat\\_Archive/701](https://t.me/Anjoman_Mobahebat_Archive/701).

متقی، محسن. «شیعه‌پژوهی تاریخی با رویکردی انتقادی: معرفی دیدگاه‌های محمدعلی امیرمعزی»، مجله نقد دینی ۱ (پاییز ۱۳۹۹): ۱۰۵-۱۶۰.

موسوی بجنوردی، کاظم. *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۴۰۲.

میرکریمی، زهیر. «گزارشی از برخی یافته‌های پژوهشگران درباره دوران باستان و اسلام آغازین و پیامدهایشان برای دین‌پژوهی»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Anjoman\\_Mobahebat\\_Archive/743](https://t.me/Anjoman_Mobahebat_Archive/743).

ویکی‌پدیا. «فرهنگ مادی»، دسترسی در ۶/۱۲/۱۴۰۳، [https://fa.wikipedia.org/wiki/فرهنگ\\_مادی](https://fa.wikipedia.org/wiki/فرهنگ_مادی).

#### ب- منابع عربی

سان برو، شارل. *المفکر الفرنسي شارل سان برو.. یکتب: "قرآن المؤرخین" المزعوم*، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://alruwaq.com/>.

الشاعر، نافذ. *قرآن المؤرخین تفسیر سورتی القمر و الطارق*، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، <https://www.noor-book.com/كتاب-قران-المؤرخین-pdf>.

طباطبایی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

عبدالعزیز، زینب. «قرآن المؤرخین»، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://saaid.org/daeyat/zainab/325.htm>.

عوض، ابراهیم. «ملاحظات سريعة علی مثال من قرآن المؤرخین»، دسترسی در ۱۸/۱۱/۱۴۰۳، [https://t.me/Channel\\_Saad/25](https://t.me/Channel_Saad/25).

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. *کتاب العین*. قم: هجرت، ۱۴۰۹.

نبیل، اسامة. «"قرآن المؤرخین" تشویه و تخریب»، دسترسی در ۱۲/۱۱/۱۴۰۳، <https://www.zatmisr.com/330>.

تحلیل مباحث قرآن پژوهانه و محتوای تفسیری کتاب ... / اخوان صراف و هدایت کلیشادی ۵۹

ج- منابع لاتین

- Al-Jallad, Ahmad. "from history to Myth, and back again," accessed February 7 2025, <https://www.youtube.com/watch?v=VCmE-cmnEjo>.
- Al-Jallad, Ahmad. accessed February 7 2025, <https://leidenuniv.academia.edu/AhmadAlJallad>.
- Amir-Moezzi, MohammadAli, and Guillaume Dye. *Le Coran des historiens*. Vol. I,IIa,IIb. Paris: CERF, 2019.
- Amir-Moezzi, MohammadAli. "Le shi'isme et le Coran." in *Le Coran des historiens*, translated by Mohsen Mottaqi and Zoheir Mirkarimi, accessed February 7 2025, <https://t.me/anqanotes/529>.
- Neuwirth, Angelika, Nicolai Sinai, and Michael Marx. *The Quran in context: historical and literary investigations into the Quranic milieu*. Leiden: Brill, 2010.
- Porteous, John. *Coins in History: A Survey of Coinage from the Reform of Diocletian to the Latin Monetary Union*. London: Weidenfeld and Nicolson, 1969.